

جهانی شدن / سازی به پدیده‌ای بدل شده است که همچنان بر بسیاری از قلمروهای کنش کنونی بشر سایه انداخته است. از این رو، ژرف‌کاوی درباره رهاورد‌های خوانش‌های گوناگون از این پدیده که به گفتمان‌ها و کنش‌های ناسازواری انجامیده است گریزناپذیر به نظر می‌رسد. هدف این مقاله، دریافت سوگیری مطالعات ایرانی در قلمرو جهانی شدن / سازی آموزش عالی است. نخست با بازنگری ادبیات نظری، چارچوبی برای گونه‌شناسی فراهم شد. در گام دوم، پس از غربال روشمند از میان ۷۰ مقاله، ۲۹ مقاله برای بازکاوی، برگزیده شد. یافته‌ها بر پایه بازکاوی محتوایی به گونه‌شناسی سه‌گانه‌ای از این مطالعات انجامید: مطالعات همسو با رویکرد نولیبرال (۵۵ درصد)، مطالعات بازمانده از بازشناسی دو رویکرد یا آشفته (۳۸ درصد) مطالعات نقادانه / دگراندیشانه (۷ درصد). بر پایه الگوهای گونه‌شناسی دانشگاهی، مطالعات بازکاوی شده، در دو گونه دانشگاه پژوهشی / پایدار و نهادهای آموزش عالی صنفی / شرکتی / بنگاهی جای گرفتند. رهیافت‌های چنین داده‌هایی کم و بیش، می‌تواند روشنگر برخی از کاستی‌ها و دشواری‌های آموزش عالی ایران در رویارویی با پدیده جهانی شدن / سازی انگاشته شود که در چارچوب دو پرسش پژوهشی، پایان بخش این مقاله است.

■ واژگان کلیدی:

جهانی شدن / جهانی سازی، آموزش عالی، دانشگاه، گونه‌شناسی

گونه‌شناسی مطالعات ایرانی در قلمرو جهانی شدن / سازی آموزش عالی

حمید جاودانی (نویسنده مسئول)

دانشیار مطالعات مدیریت آموزش عالی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
javidani99@gmail.com

احمد کیخا

دانشجوی دکتری اقتصاد و مدیریت آموزش عالی دانشگاه تهران
ahmadkeykha@ut.ac.ir

۱. سرآغاز و مسئله‌یابی

دانشگاه‌ها به‌سان خرد ناپیوسته (منفصل) اما ناگسسته از جامعه و «سپهر مردم‌سالار عمومی»^۱ (ژیرو^۲، ۲۰۰۲: ۴۵۲) از دیرباز تاکنون از رهگذر نقد دانش، آفرینش دانش نوین و کندوکاو حقیقت در دگرگشت‌های^۳ (تحولات) شهرگری^۴ و اجتماعی نقش بنیادینی بازی کرده‌اند. اما به‌نظر می‌رسد در دوران کنونی با چیرگی رویکرد ابزارگرایانه^۵، اثبات‌گرایانه^۶ و خردنگری که در بستر جهانی‌سازی گستره‌ای فراگیر یافته است، این رویکرد با وارونه‌سازی ارزش‌ها به دگرگشت‌هایی (تحولاتی) در سپهر اندیشه‌ورزی^۷، گفتمان‌ها، اهداف، کارویژه‌ها و عملکرد برخی از نهادهای اجتماعی از جمله دانشگاه‌ها انجامیده است.

جهانی‌شدن / سازی یکی از پدیده‌هایی است که در دوران کنونی توجه بسیاری از اندیشه‌پردازان رشته‌های گوناگون دانشگاهی و برون‌دانشگاهی را به‌سوی خود کشانده و به یکی از پرستیزترین مسائل روز، نه‌تنها در قلمرو دانش، بلکه در بسیاری از دیگر قلمروها مانند اقتصاد، سیاست و فرهنگ بدل شده است. این ستیزه‌ها که به‌نظر می‌رسد برآمده از رویکردهای گوناگون به پدیده پیچیده جهانی‌شدن / سازی است، به پیدایش مفهوم‌سازی‌های (گفتمان‌های)^۸ گوناگونی از این پدیده دامن زده است که می‌توانند آثار و پیامدهای گوناگون و ناهمگرایی بر نهادهای اجتماعی جوامع بشری داشته باشند. در این میان، دانشگاه‌ها و دیگر نهادهای آموزش‌عالی که می‌توانند به‌مثابه یکی از پیشروترین، اثرگذارترین و کلیدی‌ترین نهادهای اجتماعی انگاشته شوند، نه‌تنها تأثیرات ژرف گسترده‌ای بر آن داشته‌اند، بلکه از آن تأثیر نیز پذیرفته‌اند.

جدای از نهادهای دانشگاهی، بسیاری از نهادهای قدرت جهانی مانند یونسکو، بانک جهانی^۹، سازمان جهانی تجارت^{۱۰}، صندوق بین‌المللی پول^{۱۱} و غیره نیز به بازیگری در این قلمرو و اثرگذاری در مفهوم‌سازی و چگونگی پیاده‌سازی آن پرداخته‌اند. به‌نظر می‌رسد،

1. The University as a Democratic Public Sphere

2. Giroux

3. Evolution

5. Instrumentalism

6. Positivist

7. Paradigm

8. Discourse/ Discours

9. World Bank

10. World Trade Organization (WTO)

11. International Monetary Fund (IMF)

بیانیه‌ها، گزارش‌ها، پیشنهادها، برنامه‌های عملیاتی و عملکردهای این نهادهای قدرت، به چیرگی خوانش و یک‌سونگرانه‌ای از این پدیده، که بیشتر از آن با نام «جهانی‌سازی» یاد می‌شود، یاری رسانده‌اند. رویکرد این نهادهای قدرت و جریان‌های همسو با آنها، به پدیده جهانی‌سازی که در پی پوشش ارزش‌ها و سازوکارهای بازار به تمامی اندام جامعه جهانی است، بر بنگاهی‌سازی، کالایی‌سازی، تجاری‌سازی، مالی‌سازی^۱ و مقررات‌زدایی^۲ حتی کالاها و خدمات همگانی^۳ پا می‌فشارد. (برای نمونه، استگلیتز^۴، ۲۰۱۹: ۱؛ ژیرو، ۲۰۰۲: ۴۲۵؛ چامسکی^۵، ۱۹۹۹، مک‌کنزی^۶، ۱۹۹۹ و جاودانی، ۱۳۸۸، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۹) موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات^۷ که از سوی سازمان جهانی تجارت طراحی، تدوین و پشتیبانی می‌شد، می‌تواند نمونه روشنی از کوشش یاد شده به‌شمار آید که بر فرآیند یادشده در قلمرو آموزش و آموزش‌عالی، به‌سان یکی از خدمات داد و ستد شدنی پای می‌ورزد. دستاورد عملی آن را نیز می‌توان برای نمونه در وضعیت کنونی آموزش‌عالی جمهوری اسلامی ایران که با خصوصی‌سازی دانش و یادگیری، بیشترین سهم فراهم آوردن منابع بخش آموزش‌عالی را بر دوش خانوارها^۸ بار کرده است، به روشنی مشاهده کرد. چنین شرایط آشوبناکی به‌ویژه در ج.ا.ا. که به نادیده انگاشتن نقش بخش عمومی و دولت در فراهم آوردن دسترسی برابر به آموزش و منابع مالی بایسته آن شده است، انجام مطالعات ملی در این قلمرو را به فعالیت‌گریزناپذیر بدل می‌سازد. چنین به‌نظر می‌رسد که مطالعات ایرانی در این قلمرو، تاکنون کمتر به بازشناسی موشکافانه مفاهیم و رویکردهای ناهمگون به این پدیده و پیامدهای ناهمگرایی که می‌تواند در پی داشته باشد، پرداخته‌اند. به‌گونه‌ای که، شمار گسترده‌ای از آنها، با رویکرد نولیبرال که خوانش جریان چیره^۹ را بازتاب می‌دهد، هم‌نوا به‌نظر می‌رسند و کمتر نشانی از دیدگاه دگراندیشانه و نقادانه در این نگاشته‌ها به‌چشم می‌خورد.

1. Financiarisation
2. Deregulation
3. Public Goods and Services
4. Stiglitz
5. Chomsky
6. McChesney
7. General Agreement on Trade in Services (GATS)

۹. بنا بر داده‌های آماری رسمی نزدیک به ۸۵ درصد هزینه‌های آموزش‌عالی در ج.ا.ا. بر دوش دانشجویان یا خانوارهای آنهاست.

9. Main Stream

از این رو هدف از این جستار‌گشایی^۱ (پژوهش)، در گام نخست، بازشناسی رویکردها و خوانش‌های گوناگون از این پدیده است. بازخوانی مطالعات ایرانی و گونه‌شناسی آنها بر پایه خوانش‌ها و رویکردهای گوناگون گام دوم این جستار را پوشش می‌دهد. این بازشناسی از آن رو درخور درنگ می‌تواند باشد که شاید بتواند روشنگر سوگیری و کنش و واکنش‌هایی باشد که در قلمرو ملی در برابر این پدیده انجام می‌شود. به سخنی دیگر، این نگاشته با بازخوانی روشمند^۲ و نقادانه^۳ مقاله‌های ایرانی در جستجوی پاسخ گفتن به پرسش‌های زیر است:

- چه مفاهیم و رویکردهایی را می‌توان از پدیده جهانی‌شدن / سازی در بستر آموزش دانشگاهی از یکدیگر بازشناخت؟

- بر پایه یافته‌های نظری، مطالعات ایرانی انجام‌شده در این قلمرو با چه رویکرد و خوانشی همگرایی بیشتری دارد (گونه‌شناسی)؟

۲. کندوکاو نظری

دور از چشم‌داشت به نظر می‌رسد که به‌دلیل رویکردهای ناهمگونی که به پدیده جهانی‌شدن / سازی یافت می‌شود، بتوان مفهوم همگرایی از آن دست یافت. زیرا جهانی‌شدن چهره‌های گوناگونی دارد و نظریه‌پردازان و گاه برنامه‌ریزان از نقطه‌نظرهای گوناگونی به آن می‌نگرند. از این رو، آنچه در مفهوم‌سازی شایسته درنگ است، بازشناسی آنها از یکدیگر است. بنابراین، یکی از شیوه‌هایی که می‌تواند به این بازشناسی کمک کند بازکاوی دگرگشت‌های مفهومی آن درگذر زمان است.

بازکاوی رویکردهای^۴ گوناگون در مفهوم‌سازی جهانی‌شدن / سازی

رویکردهای گوناگون به یک پدیده می‌تواند مفهوم‌سازی‌های گوناگون و گاه ناسازوار^۵ از آن بینجامد. افزون بر آن، همان‌گونه که نایت بیان می‌کند، یک رویکرد همواره ثابت نمی‌ماند و رویکردها در گذر زمان می‌توانند تغییر کنند. استفاده از مفهوم رویکرد به این منظور انجام می‌شود تا بتوان بر مبنای آن درک روشن‌تری از پدیده جهانی‌شدن / سازی پدید آورد. (نایت^۶، ۲۰۰۸: ۳۱)

1. Inquiry

2. Systematic Review

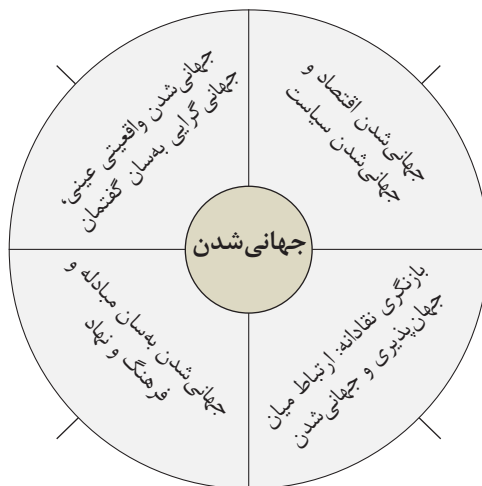
3. Critical Review

4. Approaches

5. Paradoxical

6. Knight

پرس و جو، استعلام، تحقیق، پرسش، جستار، رسیدگی



نگاره ۱: گونه‌شناسی رویکردهای جهانی‌شدن

رویکرد نخست، جهانی‌شدن^۱ واقعی عینی، جهانی‌گرایی^۲ به‌سان گفتمان پایو استفانو^۳ (۲۰۰۵: ۵۳۶) با بازشناسی «جهانی‌شدن» به‌مثابه واقعی عینی و «جهانی‌گرایی» به‌مثابه گفتمانی که جهانی‌شدن موضوع آن است چنین استدلال می‌کند که جهانی‌گرایی یک فرایند یا مجموعه‌ای از واقعیت‌های مستقل نیست، بلکه گفتمانی است که اندیشه‌های زیادی در مورد جهانی‌شدن در آن بیان، انتشار، توجیه و به بحث گذاشته می‌شود. جهانی‌گرایی موضوع اندیشه و کندوکاو است. او سه رویکرد به این پدیده را باز می‌شناسد: ۱. رویکرد نخست بیانگر مسائلی ژرف درباره جهانی‌شدن به‌سان گونه‌ای از سلطه است که با پیشران^۴ (موتور) «همسان‌سازی»^۵ به پیش می‌تازد؛ ۲. رویکرد دوم، پاسخی را در برمی‌گیرد که نگرش مثبت و خوش‌بینانه دارند و پاپا استفانو آنها را «بر نهاده‌های^۶ گوناگونی جهانی»^۷ می‌نامد؛ ۳. پاسخی گونه سوم، در بدبینی، با پاسخی نخست از خود همسویی نشان می‌دهند؛ اما آن را با نکته‌سنجی بیان می‌کنند که بیانگر ماهیت دوگانه جهانی‌شدن/سازي باشد. برتون و لامبر^۸ (۲۰۰۳) نیز همچون بسیاری از اندیشه‌پردازان این

1. Globalization
2. Globalism
3. Papa Stephanou
4. The Driver
5. Hemogenization
6. Theses
7. Global Diversity Thesis
8. Breton & Lambert

قلمرو رویکردی کم و بیش همسان از پدیده جهانی شدن / سازی پیشنهاد می‌دهند. آنها با جداسازی مفهوم جهانی شدن از جهانی سازی در این باره چنین می‌نگارند: «نیاز به یادآوری است که ما در اینجا از واژه جهانی شدن^۱ (Globalization) استفاده کرده‌ایم تا از سه خطر مفهوم جهانی سازی (Mondialisation) در امان باشیم^۲: جهانی سازی محدود به فرآیندی اقتصادی است؛ جهانی سازی حالتی است که تنها دستوراد ایدئولوژی چیره نولیبرال است؛ و سرانجام، بر این باوریم که جنبش‌های ضد جهانی سازی تنها راه‌هایی از آن است. سخن از جهانی شدن نیازمند آن است که کنشگران جوامع ما با مشارکت در بازتعریف سپهر کنش خویش دانش و فرآورده‌های نوینی بیافرینند». (برتون و لامبر، ۲۰۰۳: ۳)

رویکرد دوم: جهانی شدن اقتصاد و جهانی شدن سیاست

الف. مدرسه فکری لیبرالیسم^۳: جهانی شدن اقتصاد

از چشم‌اندازی این مدرسه فکری، با بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی که به کاهش هزینه‌های داد و ستد به‌ویژه در قلمرو دانش در سطح جهانی انجامیده است، موجب آسان‌سازی، شتاب‌گیری و افزایش گستره داد و ستدهای اقتصادی و مالی میان ملت - دولت‌ها شده است. این تغییرات در واقع، جغرافیای سیاسی جهانی را دگرگون ساخته و مرزها و قلمروهای پیشین را درهم نوردیده است و به جهانی شدن سرمایه‌های مالی و انسانی و حرکت کالاها منجر شده است؛ پدیده‌ای که «جهانی شدن اقتصاد» پنداشته می‌شود. این تغییرات اقتصادی که عرصه کنش و کنشگران اقتصادی را تغییر داده، رقابت‌پذیری را از قلمرو ملی و محلی به سطح جهانی کشانده و به شکل‌گیری شبکه‌های در هم تنیده فراملیتی انجامیده است و تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دیگری را نیز در پی خواهد داشت. برای مثال، در قلمرو سیاسی، از جمله مهم‌ترین تغییرات، کاهش نقش آفرینی ملت - دولت‌هاست. چرا که پیدایش سپهرهای نوین کنش‌های اقتصادی موجب پدید آمدن بازیگران نوین و نهادهای غیردولتی بین‌المللی می‌شود که با بهره‌گیری از قدرت اقتصادی

۱. یادآوری می‌شود جهانی شدن آموزش عالی با بین‌المللی شدن آن که بر پایه همکنشی میان دولت ملت‌هاست به یک مفهوم انگاشته شده‌اند.

۲. گیل برتون و میشل لامبر (برای متمایز ساختن نظرات خود از نظرات سرمایه‌داری حاکم میان واژه (Globalization) که از واژه (Le glob) به معنای کره گرفته شده است و واژه (Mondialisation) که از واژه (Le monde) گرفته شده و به مفهوم دنیاست، تفاوت گذاشته‌اند تا بتوان این دو پدیده را از یکدیگر بازشناخت.

3. Liberalist School of Thought

خود، توان اثرگذاری بر سیاست‌های بین‌المللی را نیز خواهند داشت. (جاودانی، ۱۳۸۳)

ب. مدرسه فکری واقع‌گرا^۱

این رویکرد که در برابر نظریه جهانی‌سازی به روایت لیبرالیستی قد برافراشته است، بر این اندیشه پای می‌ورزد که یکپارچگی اقتصادی به تغییر ساختار سیاسی حاکم بر جامعه بین‌المللی نخواهد انجامید و جهان همچنان بر پایه یک نظام سیاسی مبتنی بر حاکمیت قدرت‌های سیاسی نظامی اداره خواهد شد. در این رویکرد، جهانی‌شدن به مفهوم «تغییر بنیادی در سازمان سپهر اجتماعی زندگی انسان از سطح ملی به سطح جهانی است که با جهانی‌شدن ساختارهای قدرت و روابط اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرد. (جاودانی، ۱۳۸۳)

به هر رو، در هر دو رویکرد، آنچه که در فرایند جهانی‌شدن نقشی بنیادین ایفا می‌کند، برنامه‌ای است که از بالا طراحی شده و «مبادلات اجتماعی» و «هم‌کنشی اجتماعی» را که می‌تواند جامعه بشری را از خطرات آینده به دور دارد، نادیده می‌انگارد. در چارچوب این دو رویکرد، اگر حتی تغییراتی در «سازمان سپهر اجتماعی زندگی انسان‌ها» انجام پذیرد، بیشتر بر پایه داد و ستد اقتصادی است، که مفهوم زندگی بدان فروکاسته می‌شود. با این تفاوت که در مدرسه فکری لیبرال، تغییرات اقتصادی به ایجاد تغییر در روابط انسان‌ها می‌انجامد. اما در مدرسه فکری واقع‌گرا، تغییرات سیاست‌ها و نهادهای بین‌المللی است که به تغییرات اقتصادی می‌انجامد. این دو مدرسه فکری در مفهوم‌سازی در مورد جهانی‌شدن/سازی، «مفهوم اجتماعی»^۲ و کل‌نگرانه^۳ را که ناشی از «آگاهی جهانی»^۴ درباره وضعیت کنونی شرایط انسان و «هویت زمینی»^۵ اوست نادیده می‌انگارند. (جاودانی، ۱۳۸۷: ۱۶)

رویکرد سوم: جهانی‌شدن به مثابه مبادله و فرهنگ و نهاد

می‌یر^۶ (۲۰۰۷: ۲۶۲) با بازبینی پژوهش‌ها، رویکرد دوگانه‌ای را در مفهوم‌سازی جهانی‌شدن/سازی، با توجه به ریشه‌ها و ماهیت استانداردهای فرهنگی برآمده از آن بازمی‌شناسد.

الف. جهانی‌شدن به سان مبادله^۷

نخست، جهانی‌شدن دربرگیرنده وابستگی‌های گسترش یافته و نرخ داد و ستد در گوشه

1. Realist School of Thought
2. Social Meaning
3. Globality
4. Global Consciousness
5. Terrestrial Identity
6. Meyer
7. Globalization as Exchange

و کنار جهان است. در این رابطه گسترش داد و ستدهای اقتصادی بیشترین توجه را به خود می‌کشد که از جمله می‌توان به نرخ تجارت بین‌المللی، تولید جهانی یا شبکه کالاها، جریان‌های فناوری، مالکیت فکری، جریان‌های کار و کارگر و مهم‌تر از همه الگوهای سرمایه‌گذاری میان‌ملتی اشاره کرد. در بیشتر این موارد، اختلاف‌نظرهایی در مورد اهمیت داد و ستدهای جهانی وجود دارد؛ اما در مورد سرمایه‌گذاری بین‌المللی به دلایل زیر اختلاف دیدگاه کمتری وجود دارد؛ آشکار بودن افزایش فزاینده سرمایه‌گذاری‌ها و گریزپذیری این جریان‌ها و گردش پول ناشی از آن هم هنگام. در ارزیابی ارزش و پیامدهای این جریان‌ها دیدگاه‌های کاملاً متفاوتی را می‌توان رصد کرد. به‌عنوان مثال، اندیشه‌های چپ‌گرا بر افزایش نابرابری‌ها و تغییر سمت و سوی وابستگی‌ها پای می‌فشارند که بر هسته و پیرامون آن تأثیرات ژرف و متفاوتی می‌گذارد. اندیشه‌های عوام‌زده^۱ نیز که چشم‌انداز کم و بیش نزدیکی به چپ‌گرایان دارند بر پیامدهای آشوبناک و بی‌هنجار گسترش وابستگی‌های مهارنشده آن بر جوامع بومی با همگون‌سازی آن با «جامعه خطرناک^۲» نوین پا می‌فشارند.

ب. جهانی‌شدن به‌سان فرهنگی و نهادی^۳

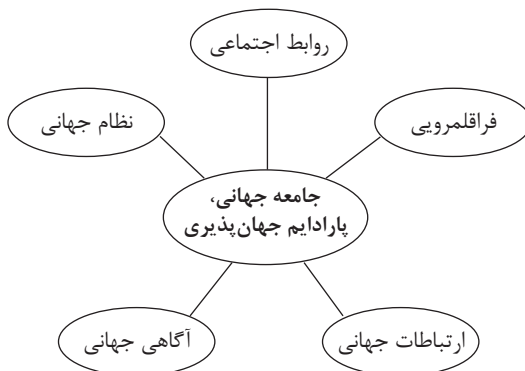
این رویکرد، مفهوم‌سازی دگرگونه‌ای برای جهانی‌شدن در نظر دارد که گرانیگاه آن بر آگاهی‌های فرهنگی نسبت به الف. همبستگی و ب. جاگیری آگاهی‌های بومی و محلی در جامعه جهانی استوار است. می‌یر (۲۰۰۷) می‌پندارد که آگاهی‌های مردم نسبت به حضور و قدرت جامعه جهانی افزایش یافته است و افراد به‌طور فزاینده‌ای دریافته‌اند یا درمی‌یابند که می‌توانند زندگی خود را در پرتو هنجارها و امکانات جهانی پی‌ریزی کنند. او در این رابطه به اتحادیه‌های بومی اشاره می‌کند که دلاورانه به تغییرات ساختاری خود می‌پردازند تا بتوانند در عرصه جهانی قدم برافرازند. او همچنین به ملت - دولت‌ها و جوامعی اشاره می‌کند که سیاست‌های‌شان بازتابی از الگوها و مدل‌های جهانی است. می‌یر (۲۰۰۷: ۲۶۳) می‌پندارد که گسترش یافتن توان انتخاب افراد و ملت‌ها به قلمرو جامعه جهانی، به برگزیدن الگوهای خوب چه در سطح فردی یا اجتماعی پایدارتر انجامیده است. خوانش او از الگوهای خوب، الگوهایی است که نه تنها از هم‌چشمی، دشمنی، روابط ستیزه‌جویانه می‌گریزند، بلکه بر اهمیت ویژگی‌های نیکوی مدنی در مقیاس جهانی پای می‌فشارند. به این ترتیب نتیجه می‌گیرد: «گزیده‌تر آن است که مرزها را گشود، تا آنها را بست، ارتباط برقرار کرد و به داد و ستد پرداخت و نه اینکه به آتش درگیری‌ها دمید».

1. Populist
2. Risk Society
3. Globalization as Cultural and Institutional

جهانی‌شدن به‌مثابه فرهنگی و نهادی، می‌یر را به دو پیشنهاد می‌کشد؛ الگوهای جهانی به‌صورت گسترده‌ای بر اشکال و سیاست‌های ملی اثر می‌گذارند. تغییرات در الگوهای حاکم بر جهان به تغییر در الگوهای ملی می‌انجامد و الگوهای جهانی بر اهمیت شهروند خوب جهانی پای می‌فشارند، که ملت‌ها را با برگزیدن هنجارهای پذیرفته‌شده جهانی به سوی پایدارساختن فضیلت‌ها رهنمون می‌سازد.

رویکرد چهارم: بازنگری نقادانه: ارتباط میان جهان‌پذیری^۱ و جهانی‌شدن

محمدی (۲۰۰۸) با بازنگری نقادانه رویکردهای پنجگانه‌ای که او برای جهانی‌شدن برمی‌شمرد، در نظر دارد میان مفهوم «جهان‌پذیری» و مفهوم جهانی‌شدن / سازی پیوند خردورزانه‌ای بنا کند که آن را «ارتباط میان جهان‌پذیری و جهانی‌شدن / سازی» می‌نامد. او نقد خود را بر مبنای «وابستگی مفهوم جهانی‌شدن» در مفهوم‌یابی ضعیف اجتماعی «جهان‌پذیری» در پنج رویکرد پی می‌گیرد: سپهر فرا قلمرویی^۲، نظام جهانی^۳، آگاهی جهانی^۴، ارتباطات جهانی^۵ و روابط اجتماعی جهانی^۶. (محمدی، ۲۰۰۸: ۱)



نگاره ۲: پارادایم جهان‌پذیری جامعه جهانی و مفاهیم پنجگانه جهان‌پذیری و جهانی‌شدن / سازی (محمدی، ۲۰۰۸: ۱)

محمدی (۲۰۰۸) در نقد رویکردهای پنجگانه جهانی‌شدن بر نکات زیر پا می‌فشارد: جهانی‌شدن بدون «تغییرات اجتماعی جهانی^۷» ناانگاشتنی است و هرگونه مفهوم‌سازی

1. Globality
2. Supraterritorial Space
3. World System
4. Global Consiousness
5. Global Communication
6. Global Social Relation
7. Global Social Change

درباره آن به تغییرات اجتماعی جهانی نیازمند است؛ مفهوم «اجتماعی» از دیدگاه وی دربرگیرنده هرگونه تغییرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است که از ماهیت نهفته تغییرات اجتماعی سرچشمه می‌گیرد و برآمده از نقش آفرینی انسان در بازسازی جامعه انسانی در گستره جهانی است؛ وجود پیوند میان جهان‌پذیری و جهانی‌شدن/سازي؛ پارادایم جامعه جهانی آن را به سان «همبستگی اجتماعی جهانی»^۱ یا «ارتباطات اجتماعی جهانی»^۲ مفهوم‌سازی می‌کند، که دربرگیرنده سه قلمرو همبستگی میان بشری^۳، میان حکومتی^۴ و همبستگی کنشگران فراملی^۵ است.

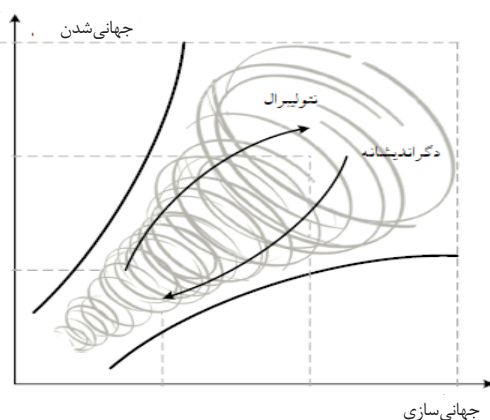
در قلمرو بازشناسی جهانی‌شدن از جهانی‌سازی، ایندس و فولتون^۶ (۲۰۰۲) نیز این‌گونه استدلال می‌کنند که جهانی‌سازی اساساً به افزایش وابستگی متقابل و در نهایت همگرایی بازارها، فرهنگ‌ها و جوامع می‌انجامد که در آن کشورها از قدرت کمتری برخوردارند. درحالی‌که جهانی‌شدن به همکاری متقابل بیشتر بین دولت‌ها و انجام فعالیت‌ها در مرزهای یک کشور اشاره دارد. پیداست که سپهر اندیشه‌ورزی جهانی‌سازی آموزش عالی با همنا شدن با سیاست‌های نولیبرالی و اقتصادی از رهگذر ایجاد جهانی همگن و واحد در پی بهره‌کشی از کشورهای در حال توسعه^۷ است و با کوچک‌سازی نقش ملت - دولت‌ها اثرات منفی فراوانی بر نظام آموزش عالی این کشورها بار می‌کند. افزون بر این، با جهت‌دهی اقتصادی و بنگاه‌داری به دانشگاه‌ها، آنها را از جریان اصلی‌شان که نقد دانش کنونی و جریانات حاکم بر جهان است باز می‌دارند^۸. وان در ویند^۹ (۱۹۹۷: ۲۳) نیز جهانی‌شدن را کوشش‌های منظمی با هدف ایجاد آموزش عالی برای پاسخگویی به نیازها و چالش‌های مربوط به جهانی‌سازی جوامع، اقتصاد و بازارهای کار می‌پندارد.

1. Global Social Interconnectivity
2. Global Social Relation
3. Inter-Human
4. Inter - State
5. Transnational Actors' Interconnectivity
6. Enders & Fulton

۷. به‌پنداشت گادوتی (۲۰۰۸: ۲۲) پانصد شرکت فرامرزی بر ۲۵ درصد فعالیت‌های اقتصادی جهان و هشتاد درصد نوآوری‌ها سیطره دارند و کنترل آنها را در اختیار دارند. صاحبان این شرکت‌ها کسانی هستند که از گذرگاه‌های گوناگون با به‌کارگیری منابع مازاد یا آزادسازی ضایعات شرکت‌های چندمیلیون دلاری خود بر دیگر انسان‌ها و ساکنان زمین ستم می‌کنند.

۸. همه این ستم‌ها برای سودهای بیشتر روا داشته می‌شود. این سودهای فزاینده - فراتر از نیاز درآمدی یک خانوار برای زندگی است. در اینجا به پرسش‌های گوناگون منطقی برمی‌خوریم؟ چرا بسیاری از دارندگان شرکت‌های بزرگ بر روی کره زمین ستم می‌کنند و با ویران کردن محیط زیست، خود و دیگران را قربانی می‌کنند؟ و علیرغم وجود این واقعیت بسیاری از گروه‌ها در برابر سیاست‌های اقتصادی و زیست‌محیطی رویکرد نئولیبرال عقب‌نشینی و سکوت می‌کنند؟ چرا نتوانسته‌اند از ستم‌ورزی دست بکشند؟ چگونه آموزشی می‌تواند به ستم‌ورزی پایان دهد؟ تمام این پرسش‌ها برآمده از سیاست‌های اقتصادی، زیست‌محیطی است و با پایداری پیوند می‌یابد که نیازمند واکاوی‌های ژرف‌تری است. (تسگی، ۲۰۱۶: ۱۱۹۸۰)

9. Van der Wende



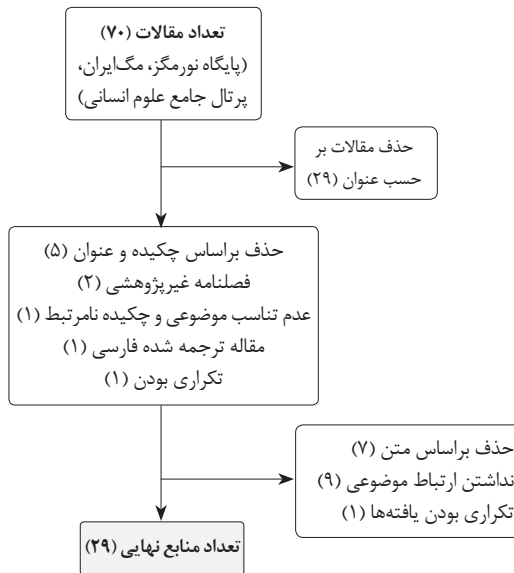
نگاره ۳: بازشناسی جهانی‌شدن از جهانی‌سازی آموزش عالی

۳. روش تحقیق

به دلیل پیچیدگی و چند بعدی بودن این جستار، در بخش‌های گوناگون روش‌های گوناگونی به کار گرفته شده است. در گام نخست، از روش بازنگری نظام‌مند و انتقادی^۱ برای بازکاوی و بازشناسی مفاهیم و رویکردهای جهانی‌شدن/جهانی‌سازی و بازکاوی پیامدهای هر یک بر نظام‌های آموزش عالی استفاده شد. در گام دوم، با به کارگیری روش‌شناسی کیفی و راهبرد فراترکیب به تحلیل و دسته‌بندی مفهومی مطالعات ایرانی انجام شده در این قلمرو پرداخته شده است. بنابراین، دوگونه روش فراترکیب به کار گرفته شده است؛ ۱. رویکرد بازنگری نظام‌مند^۲: این روش دربرگیرنده پرسشی روشن و به کارگیری روش‌های مستند، از جمله، کندوکاو فراگیر منابع، برکشیدن معیارهای روشن برای برگزیدن مطالعات و بازنگری انتقادی آنهاست. (بورا^۳ و دیگران، ۲۰۱۷) ۲. چتر بازنگری^۴: دربرگیرنده بازکاوی و ترکیب یافته‌های برکشیده (استخراج) شده از بازنگری نظام‌مند است. (پری^۵ و دیگران، ۲۰۱۵ و یوآنیدیس^۶، ۲۰۰۹) افزون بر آن، چتر بازنگری فرصتی را برای مقایسه و ناسازواری یافته‌های برآمده از بررسی نظام‌مند برای روشن‌تر کردن توافق یا تضاد شواهد موجود در مورد موضوع را فراهم

1. Systematic and Critical Review
2. Systematic Reviews
3. Borah
4. Umbrella Reviews
5. Paré
6. Ioannidis

می‌سازد. (آروماتاریس^۱ و دیگران، ۲۰۱۵) بنابراین گام نخست، تنظیم هدف پژوهش، بازکاوی مفهومی و بافتاری جهانی‌شدن / سازی آموزش عالی و اثرات آن است که بر گرانیگاه‌های نظری گوناگون استوار است که راه را برای بازکاوی محتوای مقاله‌های ایرانی در قلمرو جهانی‌شدن آموزش عالی می‌گشاید؛ گام دوم، جستجوی نگاه‌های ایرانی منتشر شده در نشریه‌های گوناگون و پایگاه‌های اینترنتی با کلیدواژه‌های: جهانی‌شدن^۲، جهانی‌سازی^۳، بین‌المللی‌شدن^۴ را پوشش می‌دهد گام سوم و چهارم، دربرگیرنده جستجو و برگزیدن متون مناسب و برکشیدن اطلاعات است. پس از جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی نورمگز، مگایران و پرتال جامع علوم انسانی، در بازه زمانی ۱۳۹۸-۱۳۸۵، ۷۰ مقاله برگزیده شد که روند غربال و بازکاوی آنها در نگاره ۴ به تصویر کشیده شده است (برگرفته شده از مگیو^۵ و دیگران، ۲۰۱۹)



نگاره ۴: فراگرد بازکاوی و غربال مقالات مورد مطالعه

گام پنجم درهم‌آمیزی و چکیده‌سازی داده‌ها بود. در این گام پس از خواندن هر مقاله، مفاهیم کلیدی برکشیده (استخراج) شد.^۶ سپس مفاهیم کلیدی بر پایه همگرایی

1. Aromataris
2. Globalization
3. Mondialisation
4. Internationalization
5. Maggio

۶. مطالعات بازکاوی شده در این پژوهش عبارت‌اند از: آتشک و همکاران (۱۳۹۲)؛ آراسته و همکاران

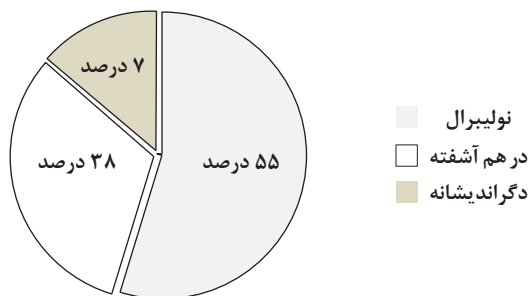
یا واگرایی مفهوم‌شناختی بر پایه چارچوب طراحی‌شده در دسته‌بندی مفاهیم کلی گنجانده شدند. مفاهیم کلی نیز بر پایه همگرایی یا واگرایی در دسته‌بندی مفاهیم اصلی گنجانده شدند. در گام ششم، کنترل کیفیت و روایی یافته‌ها انجام شد. برای اعتبارسنجی یافته‌ها از چندین راهبرد استفاده شده است؛ ۱. بازبینی از سوی همکاران^۱: در این راهبرد همکاری پژوهشی با بازشکافی و بازنگری مفاهیم کلیدی و دسته‌بندی یافته‌ها به ارتقاء بیشتر کیفیت یافته‌ها کمک می‌کند. این راهبرد از جمله راهبردهای پرکاربرد و پذیرفته شده در افزایش دقت علمی پژوهش‌های کیفی است. (استومیل و ویلز^۲، ۲۰۰۴) ۲. هم‌پوشی روایی میدانی و نظری^۳: به راهبردی گفته می‌شود که در آن بنیان‌های نظری توسعه‌یافته پژوهش با داده‌ها سازگاری دارند و بنابراین قابل باور و دفاع‌پذیرند. در این جستار نیز، نخست با کندوکاو و ژرف‌کاوی (غوطه‌وری^۴) در ادبیات پژوهش، چارچوب مفهومی دقیقی از جهانی‌شدن و جهانی‌سازی ترسیم شد. سپس به بازکاوی یافته‌ها هم‌سو با چارچوب نظری ترسیم‌شده پرداخته شد؛ ۳. روایی‌بخشی برجسته^۵ یا توافق بر پایه گفت‌وگو: این‌گونه روایی‌بخشی با اجماع و توافق اعضای تیم پژوهشی انجام می‌شود. در این جستار نیز پژوهشگران پس از بیان دیدگاه‌های خود با استدلال‌ورزی به‌گونه‌ای اجماع^۶ در یافته‌ها دست یافتند و ۴. روایی‌بخشی بازاندیشانه؛ بازاندیشی به مفهوم خود انتقادی^۷ است. بنابراین پس از پایان پژوهش، نگارندگان چندین بار با رفت و برگشت در میان تمام گام‌های پژوهش به داوری انتقادی^۸ درباره یافته‌ها و مراحل انجام کار پرداختند. گام هفتم برکشیدن یافته‌ها بود.

(۱۳۸۷)؛ آقایی و عالی (۱۳۸۸)؛ پورعزت و همکاران (۱۳۸۷)؛ جاودانی (الف)؛ جاودانی (۱۳۸۸)؛ جعفرآبادی و عالی (۱۳۸۷)؛ جعفری و همکاران (۱۳۹۴)؛ جهانیان (۱۳۸۹)؛ جهانیان و یعقوبیان (۱۳۹۱)؛ حکیم‌زاده (۱۳۸۹)؛ خداوردی (۱۳۹۱)؛ رسولی و علایی (۱۳۹۳)؛ رشیدی (الف)؛ رشیدی (ب) (۱۳۹۶)؛ زوار (۱۳۹۵)؛ سبحانی‌نژاد و محمودی (۱۳۹۱)؛ سجادی (۱۳۸۲)؛ شاهی و همکاران (۱۳۸۷)؛ شهیدی و همکاران (۱۳۸۵)؛ صالحی‌عمران و بغموری (۱۳۸۹)؛ طالع‌پسند و همکاران (۱۳۹۶)؛ عباس‌پور و مرزوقی (۱۳۹۲)؛ عبدالوهابی و همکاران (۱۳۹۲)؛ فدایی و همکاران (۱۳۸۷)؛ کشاورز (۱۳۹۱)؛ محمدبخشی و همکاران (۱۳۹۰)؛ ملکی‌نیا و همکاران (۱۳۹۷) و منصورى گرگر و همکاران (۱۳۹۵)

1. Peer Debriefing
2. Stommel & Wills
3. Extended Fieldwork
4. Immersion
5. Imperial Validity
6. Consensus
7. Self-Critical
8. Critical Judgment

۴. یافته‌ها

در گام نخست، مطالعات غربال شده بر پایه سوگیری بازتاب یافته در مفاهیم و یافته‌های آنها در چارچوب سه رویکرد؛ نئولیبرال، آشفته (نئولیبرال و دگراندیشانه) و بازشناسانه (دگراندیشانه) دسته‌بندی شده‌اند. در مطالعات همسو با رویکرد نئولیبرال درک آنها تنها به مفهوم «جهانی‌سازی» کرانه می‌گیرد و دیدگاه‌های نقادانه نیز در همین چارچوب انجام شده است. در رویکرد بازشناسانه/ دگراندیشانه/ انتقادی مقاله‌هایی جای می‌گیرند که از پس بازشناسی سپهرهای اندیشه‌ورزی برآمده‌اند. مطالعات آشفته از این شناخت باز مانده‌اند. در نگاره ۵ پراکنش مطالعات، از دیدگاه آماری، به تصویر کشیده شده است.



نگاره ۵: گونه‌شناسی کمی مطالعات ایرانی در قلمرو جهانی‌شدن آموزش عالی

بر پایه یافته‌ها دو گونه نهاد آموزش عالی قابل شناسایی است: ۱. آموزش عالی صنفی / شرکتی / بنگاهی^۱ که دیرینه آن را می‌توان در نهادهای آموزشی با اندیشه‌های فروبسته^۲ کلیسای کاتولیک در اوایل سده میانی در ایتالیا و فرانسه (دانشگاه بولونیا و پاریس) جستجو کرد. این نهادهای کلیسایی، در سده نوزدهم، با چیرگی ناپلئون در فرانسه، در آغاز سده نوزدهم، بسته شدند و مدرسه‌های عالی مهارت‌آموزی جانشین آنها شدند. «دانشگاه بنگاهی» کنونی را می‌توان سرانجام چنین گونه‌ای انگاشت^۳. ۲. نهادهای دانش‌آفرین^۴، که دیرینه آنها را می‌توان نخست در آکادمی یونان، سپس در جندی شاپور دوران ساسانی

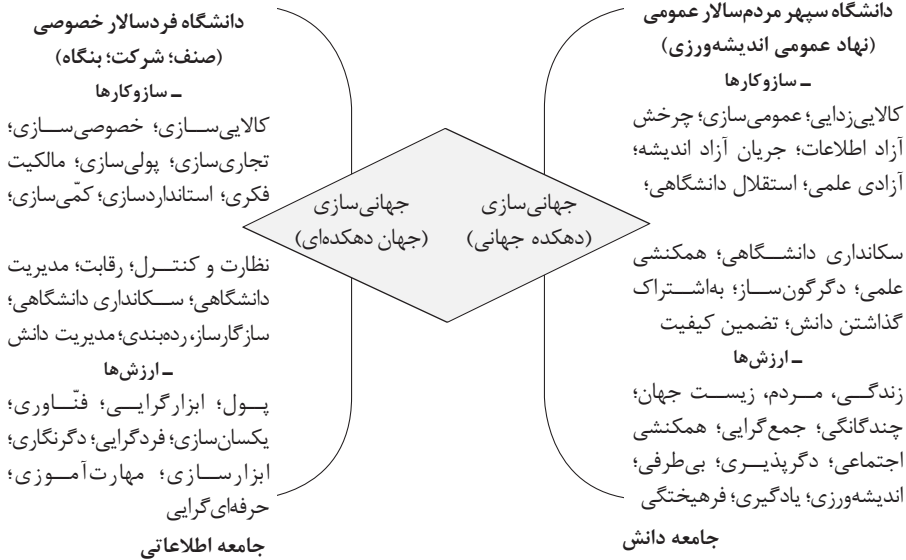
1. Guild/ Corporation/ Entreprise
2. Les Dogmes/ Dogma

۳. به‌گفته راشدال (۱۸۹۵) واژه لاتین Universitas مفهومی جز صنف ندارد و هیچ پیوندی با مفهوم کنونی دانشگاه (University) ندارد. دانشگاه شرکتی نیز پدیده‌ای است که در دنبال دانشگاه صنعتی پس از صنعتی شدن پدید آمد. دانشگاه بنگاهی ویراست نوین دانشگاه شرکتی در سده بیست و یکم است. در ادبیات روز آمد از مفهوم اوبرسازی (Auberization) برای بنگاهی‌سازی در کنش استفاده می‌شود. ۴. گونه چنین نهادی‌های را می‌توان در آکادمی یونان، جندی شاپور، نظامیه‌ها و دانشگاه‌های پژوهشی سده نوزدهم باز یافت.

و به‌ویژه نظامیه‌ها در سده چهارم و پنجم هجری (دهم و یازدهم میلادی) جستجو کرد. در سده نوزدهم، دانشگاه‌های آلمان، پیوند بیشتری با چنین نهادهایی از خود نشان می‌دهند. «دانشگاه‌های پژوهشی^۱» نیز که در سده نوزدهم و به‌ویژه بیستم در بسیاری از کشورها، به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا پا گرفتند و توسعه یافتند، به‌دلیل همگونی در رویکردها، رسالت، کارویژه‌ها و حتی عملکردها، را می‌توان در این‌گونه گنجانده. «دانشگاه پایدار^۲» را می‌توان بازآغازی برای آن انگاشت. (جاودانی، ۱۳۹۸)

در پی، نگاره (۶) مؤلفه‌های ابزار بازشناسی گونه‌های دانشگاهی و دیگر نهادهای آموزش عالی در دو سپهر اندیشه ورزی «پایداری» و «توسعه پایدار» بازتاب یافته است.

۵۳



نگاره ۶: ابزار^۳ بازشناسی گونه‌های دانشگاهی و دیگر نهادهای آموزش عالی در دو سپهر اندیشه‌ورزی

در گام دوم، با رویکرد باز کاوی محتوای استنباطی، مفاهیم برکشیده شده از نگاشته‌ها در قالب سه رویکرد جهانی‌سازی آموزش عالی (نولیبرال)؛ آشفته (نولیبرال و دگراندیشانه) و بازشناسانه (دگراندیشانه و نقادانه) دسته‌بندی و باز کاوی شده‌اند.

1. Research University
2. Sustainable University
3. Toole

جدول ۱: بازکاوی درون مایه‌های مفهومی و یافته‌های مطالعات ایرانی بر پایه رویکرد جهانی‌سازی آموزش عالی یا نولیبرال (۱۳۹۸-۱۳۸۵)^۱

مفاهیم اصلی	مفاهیم کلی	مفاهیم کلیدی
تجارت‌سازی و شهرت‌زایی	اقتصادزدگی ^۲	حمایت از جهانی‌شدن اقتصاد، ظهور بازار جهانی و اقتصادهای جهانی، یکپارچگی جهانی، تحقق بخشیدن یک اقتصاد جهانی، دامن زدن به قاعده مصرف‌گرایی، سازماندهی مجدد دنیای بازار کار و اقتصاد، افزایش رقابت اقتصادی، تلاش برای افزایش رشد اقتصادی، آزادی‌های اقتصادی
	آزادسازی مالی ^۳ و تجارت آزاد ^۴	طرح موضوع تجارت آزاد جهانی در اهداف برنامه‌درسی، ضرورت طرح موضع یکپارچه‌سازی بازرگانی از طریق حذف مرزهای تجاری، طرح موضوع بازار رقابت و جریان آزاد انتقال کالا، خدمات و سرمایه، پایبندی آموزش عالی به اساسنامه اتحادیه همکاری اقتصاد - اقیانوسیه، نیاز جوامع به رشد اجتماعی و فرهنگی در کنار توجیحات اقتصادی، توسعه شرکت‌های فراملی تولید تجارت
یکسان‌سازی فرهنگی (مک‌دونالدی‌سازی)	دگرگشت ارزشی ^۵	بحران فراگیر هویت و معنا، گسترش ارزش‌های جدید، مواجهه‌بودن با ارزش‌های وارداتی و تضعیف بنیاد خانواده، ارتباطات یک‌طرفه و انفعالی در سطح جهان (در انتقال ارزش‌ها)، سیطره ارزش‌های فرهنگی غرب، تعدد مرجع‌های اجتماعی، استانداردسازی بر مبنای ارزش‌های بازار، پول و درآمد بیشتر
	چیرگی فرهنگی	رویکرد یکسان‌سازی فرهنگی، سیطره امپریالیسم فرهنگی، اروپایی‌شدن و غربی‌شدن، ایجاد فرهنگی واحد؛ رویکرد خاص‌گرایی فرهنگی، واگرایی فرهنگی، توسل به عناصر هویت‌بخش فرهنگی خاص، نسبی‌کردن فرهنگ‌ها، سلطه فرهنگی بیگانگان، تقلید کورکورانه، تهدید هویت فرهنگی، تلفیق فرهنگی، وجود فرهنگ جهانی مشترک، گرایش به انطباق با دیدگاه‌های فراملی، علاقه به اسطوره فراملی، میزان ارزش‌گذاری با معیارهای فراملی، گرایش به شخصیت‌های فراملی، گرایش به هنرپیشیه‌های فراملی، گرایش به نویسندگان فراملی، گرایش به اندیشمندان فراملی، تمایل به سبک زندگی مدرن، تمایل به پوشش‌های فراملی، الگوبرداری از سوپرستاره‌های فراملی، تمایل به برنامه‌های شبکه‌های فراملی، تمایل به ذائقه غذاهای سایر جوامع، تمایل به موسیقی‌های فراملی، حس تمایل به الگوهای غربی، تمایل به استفاده از مارک‌ها و برندهای فراملی، گرایش به معاشرت با اشخاص مطلع از فرهنگ‌های فراملی، عام‌گرایی فرهنگی، تک فرهنگی‌شدن و تضعیف فرهنگ‌های بومی، سلطه فرهنگ غرب، یکانگی و تک‌قطبی‌شدن فرهنگ، کاهش کنترل متمرکز فرهنگی و اجتماعی، غلبه کالاهای فرهنگی، روند سکولاریزاسیون و پیامد تسلط فرهنگ غیردینی غرب بر دیگر ملل، سکولاری شدن اجتماعی جوامع محلی، بسط تئوری یکپارچه‌سازی، الگوهای فرهنگی ناهمساز با فرهنگ ملی
	نبرد تمدن‌ها ^۶	عدم تحمل تساهل و همزیستی، گسترش اختلافات قومی، بی‌همتایی شیوه‌ها و اعمال ایده‌های یک گروه یا جماعت معین، عدم تحمل روابط بین فرهنگی، تخاصم ملت‌ها
تئوری نولیبرال جهانی	انسان اقتصادی ^۱	تأمین وفاداری ایدئولوژیکی جوانان به نظریات تجارت آزاد جهانی و حقوق مشترک، راه‌یابی بازار به قلب و ذهن مشتریان، ارتقاء اقتصادی سطح زندگی شهروندان، کنش فردی و ابزاری
	افزایش ناپرابری‌ها	افزایش سطح تبعیض و طبقات اجتماعی، شیوع روزافزون بیماری ایدز، افزایش جمعیت، بی‌سوادی و به‌خصوص کم‌سوادی، افزایش فرار مغزها، افزایش شکاف دیجیتالی

1. Commercialization and Deregulation
 2. Economicization
 3. Financial Liberalization (Laissez Faire)
 4. Free Trade
 5. Value Change
 6. The War of Civilizations
1. Economic Man
 2. Neo Liberal Global Citizen

مفاهیم اصلی	مفاهیم کلی	مفاهیم کلیدی
	ناپایداری زیست محیطی	زمینه‌ساز رشد فرهنگ تجارت جهانی با تأکید بر حفظ محیط زیست، توسعه فرهنگ مصرف‌گرایی، افزایش بهره‌وری، نقش آموزش عالی در توسعه پایدار ^۱
کالای سازی، خصوصی سازی، نوگرایی مدیریت ^۲	بازمفهوم سازی بخش عمومی و دولت با چیرگی بازار	مقررات‌زدایی، خصوصی سازی، استانداردسازی، کوچک‌بودن سازمان، زوال دولت ملت‌ها، آزادسازی تجارت، کوچک‌شدن و تغییر در نقش دولت‌ها، استفاده از ساختارهای موقت و ناپایدار بنا بر نیاز، استفاده از انواع نیروها به صورت پاره‌وقت، استفاده از افراد متخصص و حرفه‌ای در هسته سازمان، نیاز به چندمهارتی‌بودن افراد، افزایش تعداد فعالیت‌های حرفه‌ای خارج از سازمان، فزونی تعداد جلسات برنامه‌ریزی نشده، افزایش تعداد واحدها و ارتباطات افقی، شکل‌گیری قوانین مربوط به کار در فضای سازمان‌های مجازی، افزایش میزان انعطاف در برابر شرایط محیطی، افزایش میزان جابه‌جایی افراد، تصمیم استراتژیک توسط مدیریت ارشد سازمان‌ها، بر خورندگی رئیس دانشگاه از قدرت و اختیار، افزایش ارتباطات غیررسمی بین گروه‌ها و تیم‌ها، سهولت برقراری جریان ارتباطات به‌ویژه با استفاده از فناوری، افزایش ارتباطات مجازی، شبکه‌های شدن سازمان‌ها و اتوماسیون اداری، تدوین اهداف و برنامه‌ریزی استراتژیک، توجه به اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، تلاش در جهت القاء نظام آموزشی واحد جهانی، تضعیف نظام‌های آموزشی محلی و ملی، شیوه‌های جدید مدیریت دانشگاه، القاء نگرش سودمدارانه در مورد تعلیم و تربیت، نظام تربیتی فاقد خصیصه نظارت و داوری سیاسی و اخلاقی محلی و ملی، القاء ضرورت پذیرش آموزش زبان واحد، تبدیل شدن زبان انگلیسی به زبان جهانی، کاهش میزان اختیار در تصمیم‌گیری‌ها آموزشی ملی و محلی

۱. افزایش بهره‌وری به مفهوم افزایش سود فزاینده است که جایگاهی در سپهر اندیشه‌ورزی پایداری و به ویژه دانشگاه پایدار ندارد. به نظر می‌رسد «توسعه پایدار» از جمله کژتابی‌های نظری است که در بیشتر ادبیات دانشگاهی ج.ا.ا. از مفهوم نوین «پایداری» بازشناخته نشده است! به سخنی روشن‌تر، بسیاری از ناپایداری‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست بومی کنونی پیامد کاربست آن چیزی است که در جریان چیره (Mainstream) «توسعه پایدار» نامیده شده است! در پی ناکارآمدی مفهوم رویکرد توسعه و واپس زدن اجتماعی آن، جریان چیره برای همسو نشان دادن خود با رویکرد های نوین، از جمله رویکرد «پایداری»، مفهوم ناسازوار (Paradoxical) «توسعه پایدار» را به کار برده است. به این ترتیب، مفهوم توسعه پایدار، که همچنان بر تنور رشد اقتصادی (Economic Growth) می‌دمد، بیش از هر چیز به دنبال «رشد پایدار» است، که به نظر نمی‌رسد با سپهر اندیشه‌ورزی (پارادایم) «پایداری» همخوانی داشته باشد. از جمله به این دلیل روشن، که افزایش رشد (Growth) نیازمند تولید و مصرف فزاینده است که بر پایه داده‌های مستند جهانی، نه کره خاکی و نه جوامع انسانی، از جمله به دلیل تغییرات شتابان اقلیمی، پایان پذیرگی منابع، گرمایش، از میان رفتن گونه‌های زیستی و... نه تنها تاب چنین افزایشی را ندارند، بلکه نیازمند تغییرات دگرگون‌سازی (Transformational Changes) است که بسیاری از نهادهای بین‌المللی را وادار به هشدار دادن کرده است. از جمله نهاد میان دولتی IPBES و IPCC در هشدارهای خود برای جلوگیری از نابودی زیست کره خواستار بازنگری در ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و سرانجام سبک زندگی کنونی که بر پایه توسعه پایدار بنا نهاده شده است، شده‌اند. نکته دیگر، بازشناسی دو رویکرد «توسعه پایدار» و «پایداری» در آموزش عالی است «توسعه پایدار» همسو با خوانش نولیبرال و پایداری رویکردی دگراندیشانه است. برای نمونه نک: جاودانی و کیخا، ۱۳۹۹؛ جاودانی، ۱۳۹۹ و حمزه رباطی و جاودانی، ۱۴۰۰.

2. Accomodification and Privatization

3. New Managerialism

مفاهیم اصلی	مفاهیم کلی	مفاهیم کلیدی
<p>کالایی سازی، برگزاری مدیریت، خصوصی سازی، برگزاری مدیریت، خصوصی سازی.</p>	<p>همسوسازی سکانداری دانشگاهی با سازوکارها و ارزش‌های بازار</p>	<p>همسویی و بویایی سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها با ادبیات کارآفرینی، تربیت نیروهای با تفکر کارآفرینی، مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، توجه نسبی به ارزش‌ها و استانداردهای علمی، تأکید بیشتر بر کنترل و ارزیابی غیرمستقیم، توجه به فعالیت‌ها و استفاده از معیارهای کمی برای ارزیابی، افزایش تعداد دانشجویان (ملی، بین‌المللی، مجازی، حقیقی)، فزونی تعداد رشته‌ها، روش‌های جدید تدریس، وجود انواع مواد و وسایل آموزشی مبتنی بر رایانه، وجود منابع اطلاعاتی متنوع در اختیار استادان و دانشجویان، تغییر جهت‌گیری‌های برنامه‌های تربیتی به کوتاه‌مدت، رقابتی بودن محیط و ناپایداری آن، وجود رقابت بین دانشگاه با سایر سازمان‌ها برای دستیابی به منابع مالی، توجه آموزش عالی به محتوای اقتصاد جهانی شبیه اقتصاد ملی، توجه ویژه آموزش عالی به تأثیر الزامات فناوریانه و متقاضیات اقتصادی بر سبک زندگی، عنایت آموزش عالی به امکان ایزاری شدن آموزش و پژوهش در خدمت اقتصاد رقابت اقتصادی</p>
	<p>مهارت‌آموزی حرفه‌ای و علم بازاری^۱</p>	<p>آموزش سبک تفکر و فرهنگ کارآفرینی، برگزاری کارگاه‌های آموزش کارآفرینی، سمینارهای کارآفرینی با موضوعیت جهانی‌شدن، فناوری اطلاعات، توجه به مهارت‌های ارتباطی، مهارت فنی، انعطاف‌پذیری، کارگروهي، حل مسئله، مهارت سواد رایانه‌ای، تسلط علمی و فنی استادان، مناسب بودن محتوای درسی استادان، ارزیابی پیشرفت تحصیلی دانشجویان، مهارت یادگیری چگونگی یادگیری، مهارت تفکر، مهارت حل مسئله، مهارت‌های مدیریتی، دانش نظری رشته تحصیلی، دانش کاربردی، مهارت زبان انگلیسی، فرهنگ مناسب کار، شکاف حلقه‌های بسته دانش، به حاشیه رفتن فرهنگ علمی، اشاعه فناوری‌های سخت و نرم، گسترش اطلاعات جهانی، به حداقل رساندن زمان و مکان در ارتباطات، نبود فضای مناسب برای ابراز عقاید، نتیجه نیاز فرایند‌های به دانش و اطلاعات نو، انطباق محتوای آموزشی در پاسخ به خواسته‌های ملی و جهانی، گسترش آموزش از راه دور و آموزش غیر رسمی، ارائه مفاهیم و هنجارهای نوین در محتوای آموزشی، تدوین برنامه‌های آموزش بزرگسالان و آموزش مستمر، ارتقاء سطح پوشش کمی افراد واجب‌التعلیم</p>
<p>سرپایه‌داری دانشگاهی^۲</p>	<p>دانشگاه به‌سان بنگاه و کارگزار اقتصادی^۳</p>	<p>افزایش مشارکت در پژوهش‌های گروهی با همکاران، هدایت پایان‌نامه‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی با همکاری سازمان‌های خارج از دانشگاه، تغییر مستمر در نیازهای آموزشی و پژوهشی، جذب منابع از طریق مؤسسات خصوصی و سایر سازمان‌های موجود، توجه آموزش عالی به موضوع تحرک شفاف سرمایه، توجه آموزش عالی به افزایش مستمر درآمدها و تأثیرات آن بر زندگی اجتماعی مردم، توجه آموزش عالی به مقوله افزایش میزان تقاضا، توجه آموزش عالی به ضرورت بهره‌برداری کامل از منابع جهانی، توجه آموزش عالی به افزایش مبادلات و ضرورت بهبود بخشیدن به نظام‌های جاری میان کشورهای، رشد فرهنگ تجارت جهانی با تأکید بر حقوق مشترک و تبیین نقش دولت در بین دانشجویان، تبیین مفهوم یکپارچه‌سازی جهانی و حذف مرزهای تجاری بین دانشجویان، نهادینه کردن آگاه از مفهوم بازار رقابت و جریان آزاد انتقال کالا، ارتقاء مفاهیم مرتبط با الزامات فناوریانه و متقاضیات اقتصادی، تبیین مفهوم اشتغال مؤثر و مولد در بین دانشجویان، تبیین مفهوم بهره‌برداری کامل از منابع جهانی در بین دانشجویان، تبیین مفهوم ارتقای سطح زندگی انسان‌ها از راه مناسبات صحیح اقتصادی و تجاری در بین دانشجویان، گسترش مراکز تحقیق و توسعه کارآفرینی، ارتباط دانشگاه با صنعت و نیازهای داخلی و جهانی، شرکتی شدن، دانشگاه مانند شرکت و بنگاه برحسب مقتضیات بازار، توسعه مهارت‌های مورد نیاز بازار، پژوهشگر پیمان کار، رقابتی شدن، عملکرد فردی به‌جای عملکرد اجتماعی، عضویت ناپایدار، تبدیل شدن به شرکت‌های تجاری مشتری محور، آموزش مبتنی بر پرداخت کارکنان، مقررات‌زدایی از مؤسسات آموزشی، پیوند شرکتی فعالانه دانشگاه با صنعت، توسعه پارک‌های فناوری، پرورش فارغ التحصیلانی در زمینه برآورده ساختن نیازهای اقتصاد بازار، تغییر در رویکردهای مالی، تغییر در بازار کار، بیکاری ناشی از تغییرات سریع بازار کار و تحولات سریع فناوری</p>

1. Professional Training

2. Marketing Science

در رویکرد پایداری و در پی آن، آموزش عالی پایدار، «دانشگاه» نهادی «دانش آفرین» به‌شمار می‌آید و

دسته‌بندی جدول ۱ که بازتاب‌دهنده فروکاهش پدیده جهانی‌شدن به رویکرد جهانی‌سازی است، می‌تواند بیانگر پیامدهای ناگوار و ابزار گرایانه رویکرد جهانی‌سازی با چیرگی نولیبرالیسم باشد. چنین رویکرد فروکاهنده‌ای، واکنش دوگانه‌ای را در جهان پدید آورده است. واکنش نخست، که از فراوانی بیشتری نیز در این‌گونه مقاله‌ها برخوردار است، بی‌چون و چرا خواهان پیوست به جریان چیره کنونی است. رویکردی که پیامدهای ناگواری همچون نابرابری‌ها و تغییرات اقلیمی و شتابنده را پدید آورده است. به‌گونه‌ای که بنا بر یافته‌های گوناگون پژوهشی و واقعیت‌های نادیده انگاشتنی، نیازمند بازنگری و یا حتی دگرگونی^۱ ژرف نظری و کنشی است (برای نمونه سنج^۲ و دیگران (۲۰۰۸) از بایستگی انقلاب در دانش/ یادگیری بشر سخن می‌رانند) تا جایی که، جدای از پژوهش‌های دانشگاهی، محافظه‌کارترین نهادهای بین‌المللی، همچون، یونسکو^۳ (۲۰۱۵)، برنامه توسعه ملل متحد (۲۰۱۴)^۴، نشست سران جهان درباره توسعه پایدار (۲۰۱۹-۲۰۰۰)^۵ و حتی

تفاوت بنیادی با دیگر «نهادهای آموزش عالی» دارد! به همین دلیل، حتی در ادبیات دانشگاهی جهانی نهاد های آموزش عالی سرشناسی همچون ام. آی. تی. (مؤسسه فناوری ماساچوست Massachusetts Institute of Technology) دانشگاه نامیده نمی‌شوند! حتی در ادبیات دیوانی کنونی ج. ا. ا. همواره از دانشگاه و دیگر مؤسسات آموزش عالی نام برده می‌شود! کارویژه اساسی دانشگاه دانش‌آفرینی است (که به ناروا تولید دانش گفته می‌شود - دانش کالا نیست که تولید شود! نیازمند آفرینش یا پروراندن است و دانشگاه نیز در گام نخست در پی توسعه انسان اندیشمند تا انسان ماهر است!) اما نهادهای آموزش عالی دیگری نیز هستند که در پی «مهارت‌آموزی» (Training) اند. از این‌رو، چنین نهادهایی حتی در ایران در دوران پهلوی پلی‌تکنیک (امیرکبیر کنونی) یا با برخی چشم‌پوشی‌ها «دانشگاه صنعتی» (مانند دانشگاه صنعتی آریامهر، (شریف کنونی) نامیده می‌شدند. از این‌رو، در سپهر اندیشه‌ورزی «پایداری» کوشش می‌شود این مفاهیم از یکدیگر بیشتر بازشناخته شوند. هر چند در ادبیات دانشگاهی آموزش عالی جهانی، این مفاهیم در گذشته نیز از هم بازشناخته بودند! به همین دلیل نیز نظام‌های آموزش عالی بسیاری از کشورها دو پایه (دانشگاه و نهادهای مهارت‌آموزی آموزش عالی که دانشگاه نیز نامیده نمی‌شوند. مانند کالج‌های عمومی (Community College) در ایالات متحده و مدارس آموزش عالی فرانسه (Ecole superieur) یا حتی سه پایه است. برای نمونه می‌توان از کشورهای اتحادیه اروپا، ایالات متحده و ... نام برد. به این ترتیب مفاهیمی همچون مهارت‌آموزی، واسطه‌گری و دلالتی (که به ناروا در فارسی به «کارآفرینی» برگردانده شده است، به نظر می‌رسد نمی‌تواند پیوندی با نهاد دانشگاه به ویژه دانشگاه پایدار داشته باشد.

3. Academic Capitalism

4. University as a Economic Entrprise

1. Revolution

2. Senge. Peter et Al. Necessary Revolution

۳. یونسکو برای برون‌رفت از بحران کنونی که گریبان‌گیر بشر است، دانش‌جان‌شین (Alternative

Knowledge) و رویکردهایی نوین (New Aproaches) را پیشنهاد می‌کند. (یونسکو، ۲۰۱۵: ۳۰-۲۹)

4. UNDP

5. World Summit on Sustainable Development

بانک جهانی (۲۰۱۹) را که خود نقشی به‌سزا در گرفتار آمدن بشریت در چنین وضعیتی دارند، ناگزیر از بازنگری در چنین رویکردهایی کرده است. (جاودانی، ۱۳۹۸) واکنش دومی، که به فروکاستن جهانی‌سازی در چارچوب رویکرد نولیبرال بسنده کرده است و در این دسته از نگاه‌ها نیز بازتابی روشن یافته، به‌نظر می‌رسد برخی از پیامدهای ناگوار چیرگی رویکرد نولیبرال را دریافته است. از این‌رو، به‌گونه‌ای یک‌سویه، به نقد این پدیده پرداخته و در برابر آن قد برافراشته است، بدون آن‌که گوشه‌چشمی به دیگر خوانش‌ها از این پدیده داشته باشند. دیدگاه‌هایی که اگر چه جای درنگ دارند، اما، کاربست بدون جایگزین آن می‌تواند به در «خودفرورفتگی» اجتماعات، سکون و درجا زدن آنها بینجامد. در جدول ۲ دسته‌بندی مفاهیم کلیدی مطالعات بر پایه رویکرد آشفته (نولیبرالیسم و دگراندیشانه) آمده است.

جدول ۲: بازکاوی درون‌مایه‌های مفهومی یافته‌ها در مطالعات بر پایه رویکرد آشفته (۱۳۹۸-۱۳۸۵)^۱

مفاهیم اصلی	مفاهیم کلی	مفاهیم کلیدی
جهانی‌سازی اقتصاد: اقتصاد دانش ^۱	مصرف‌زدگی ^۲	افزایش تجارت بین‌المللی، گسترش سرمایه‌گذاری مستقیم، وضع تعهدنامه‌های بین‌المللی، افزایش فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی، افزایش تجارت بین‌الملل، حضور سرمایه‌های جهانی، داشتن فرصت‌های یکسان برای جذب سرمایه، ترویج مصرف‌گرایی، سازماندهی مجدد اقتصاد، افزایش صادرات خدمات و تولیدات، دستیابی به رقابت‌پذیری اقتصاد، درک ماهیت اقتصاد جهانی
	تغییر ماهیت کار ^۳	پیشرفت فناوری و علمی، پاسخ به دگرگونی‌های بازار کار، کاهش فرصت‌های شغلی به‌دلیل فناورانه‌شدن برخی از مشاغل، ایجاد قابلیت‌های شغلی در شمار زیادی از مناطق جهان، افزایش استخدام غیررسمی در مقایسه با استخدام رسمی، تمایل افراد به تعویض سریع مشاغل‌شان برای کسب مشاغل بهتر، تغییرات سریع در ویژگی‌های شغلی، در نظر گرفتن مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله‌ای، تغییر میزان کار به‌دلیل بین‌المللی شدن بازار کار، اهمیت کار تیمی در شرکت‌های تجاری، تلاش برای انعطاف‌پذیری و توانایی پاسخگویی بیشتر نظام آموزش عالی به نیازهای بازار کار، نگرش مثبت به تغییرات
اقتصاد به‌سان سنجش‌شناسی ^۴ ناسازواری فرهنگی ^۵	مرز زدایی فرهنگی در دو رویکرد ناهمگرا	نوسازی و بازسازی جامعه بر اساس اصول فرهنگ‌های پیشرفته، دسترسی آسان به فرهنگ‌های مختلف، گسترش تنوع فرهنگی، رونق سفرهای بین‌المللی، گرایش‌ها و فرهنگ‌های عمومی در سطح جهان، وقوع رویدادهای ورزشی جهانی، رشد و ارتقاء فرهنگی، از بین رفتن فرهنگ‌های بومی، ترویج سکولاریسم، تهاجم فرهنگی، عدم برتری فرهنگ‌ها، نبود تفکر پلورالیسم فرهنگی، نبود مدیریت فرهنگی، نبود بازنگری در تجربه‌های فرهنگی، ناآشنایی با انواع حقوق در فرهنگ‌ها، احترام و ارزش‌گذاری به تنوع زبان‌ها و فرهنگ‌های جهان، تشویق همکاری‌های چندفرهنگی، شناخت و ارج‌گذاری چشم اندازه‌های فرهنگی متفاوت، ارزش گذاشتن به تنوع و تفاوت‌های فرهنگی و زبانی، آشتی فرهنگی

1. Knowledge Economy
2. Consumerism
3. Changing Nature of Work
4. Praxeology
5. Cultural Paradox

<p>اقتصاد به‌سان سنجه‌شناسی ناسازواری فرهنگی</p>	<p>ناسازواری‌های اجتماعی و زیست محیطی</p>	<p>شکل‌گیری و پیشرفت مجموعه ارزش‌های جهانی، توسعه تولید کالاها، مصرفی، افزایش شمار اعمال استانداردهای جهانی، ایجاد جنبش‌های بین‌المللی، ارتباط با جهان مدرن، کاهش آثار تخریب محیط زیست، انسان بردبار و احترام به دیگران، احترام به انسانیت و احترام به متفاوت بودن، سکوی پرتاب هویت خود، هویت مستقل، نگاه زیباشناختی به دیگری، وحدت در کثرت، عدالت و برابری اجتماعی، تنوع و گوناگونی، تعهد به توسعه پایدار، توانایی به چالش کشیدن بی‌عدالتی و نابرابری، احترام به افراد و اشیاء، مشارکت و رفع تعارض، شناخت وابستگی متقابل و گرایش به تشکیل جامعه، شناخت نظام‌های بین‌المللی، دارای نگرش جهانی و دموکراتیک، آگاهی و توانایی به‌کارگیری فناوری‌های اطلاعاتی، یادگیری برای شناختن عمل کردن و با هم زیستن، دارای عزت‌نفس و هویت ملی و جهانی، مسئولیت‌پذیری در خصوص آینده جهان از ابعاد مختلف، توانایی رفع تعارض و تعهد به مسالمت‌جویی، متعهد به رشد و حفظ محیط زیست، مشارکت در اجتماعی در سطوح ملی و محلی و جهانی، آشنایی با محیط زیست و منابع طبیعی، درک درست از اتفاقات جهانی همگام با رشد مسائل، حساسیت و آگاهی به محیط‌های پیچیده انسانی، تقویت احساس کمک به ایجاد جامعه مبتنی بر عدالت و پایدار، توانایی برقراری ارتباط و همدردی با مردم، همدلی و نوع‌دوستی، مشارکت در سازمان‌های مدنی، آرای سیاسی، فعالیت‌های مدنی جهانی، افزایش و تشدید روابط اجتماعی، توسعه دموکراسی و حقوق بشر، تجدیدنظر در ارزش‌های معنوی و اخلاقی، تسریع درک انسانی در میان ملت‌ها، توانایی‌شناسی مباحث ارزشی ممکن در زندگی شخصی و حرفه‌ای در محیط بین‌المللی، آموزش دموکراسی برای آشنایی فراگیران با حقوق و وظایف‌شان، آشنایی با قوانین و مقررات و مسائل سیاسی، آشنا نمودن فراگیران با تجربیات عملی در شرایط دموکراتیک، در نظر گرفتن آموزش اجتماعی به‌عنوان فرصتی مناسب جهت رشد حس قضاوت در فراگیرانی که باید وارد زندگی واقعی اجتماعی شوند، توجه خاص نسبت به آموزش گروه‌های اقلیت به‌منظور قادر ساختن آنها در کنترل زندگی آینده و شرکتشان در فعالیت‌های اجتماعی، آماده نمودن فراگیران برای زندگی در جامعه جدید اطلاعاتی (بعضی از مواردی که ذکر شد، مصادیق ناسازواری اجتماعی و زیست محیطی تلقی نمی‌شود. این دسته از نگاه‌ها از بازشناسی دو سپهر اندیشه‌ورزی (پارادیم فکری) بازمانده به‌نظر می‌رسند. از این رو، «شفته» نام نهاده شده‌اند که بدون بازشناسی دو سپهر اندیشه‌ورزی ناهمگون (نولیبرالیسم و دگراندیشانه) گفتمان‌های ناسازوار آنها را کنار هم به‌کار گرفته‌اند.</p> <p>به سخنی دیگر، این جدول گویای یافته‌های ناسازوار نویسندگان مقالاتی است که از بازشناسی این دو رویکرد بازمانده‌اند!</p> <p>گفتنی است که یکی از اهداف این پژوهش برجسته ساختن این‌گونه ناسازواری‌های مفهومی و نظری در برخی نگاه‌ها بوده و این نکته در مقاله به روشنی بازتاب یافته است. بر اساس ابزار پژوهش در بازخوانی رویکردها، مطالعات به سه دسته تقسیم‌بندی شدند: «در گام دوم، با رویکرد بازکاوی محتوای استنباطی، مفاهیم برکشیده شده از نگاه‌ها در قالب سه رویکرد جهانی‌سازی آموزش عالی (نولیبرال؛ آشفته (نولیبرال و دگراندیشانه (و بازشناسانه (دگراندیشانه و نقادانه) دسته‌بندی و بازکاوی شده‌اند».)</p>
<p>حکمرانی جهانی - ۱</p>	<p>کوچک‌سازی ملت - دولت‌ها^۲</p>	<p>عدم تسلط دولت‌ها بر سیستم آموزشی، فرار سرمایه از جوامع ضعیف، نفوذ سیاسی و اقتصادی، از بین رفتن نظام‌های آموزشی محلی، کاهش تسلط دولت بر دانشگاه‌ها، معماری مجدد ساختارها و فرآیند بر اساس روابط جهانی</p>
<p>مدیریت جهانی آموزش عالی</p>		<p>کاهش حمایت‌های مالی دولت، به حاشیه رفتن برنامه‌های آموزشی و پژوهشی بنیادی، استفاده گسترده از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان علمی دانشگاهی، کاهش آزادی علمی، حذف مکتوبات آموزشی، حذف آموزش‌دهندگان دانشگاهی و تضعیف دانشگاه به‌عنوان محل اختصاصی آموزش، کاهش نیروی انسانی فعال در سیستم‌های آموزشی، حذف نظارت‌ها بر شکل آموزش، به‌وجود آمدن زبان آموزشی واحد و از بین رفتن زبان‌های بومی کشورها، کم‌رنگ شدن دانشگاه‌های بومی و رشد دانشگاه‌های مجازی، فراهم آوردن زمینه و شرایط لازم برای هدف‌گذاری کیفی و کمی، ارتقاء کمیت و کیفیت اعضای هیئت علمی، برنامه‌ریزی برای اشتغال دانش‌آموختگان بر اساس مهارت‌ها و تخصص‌های کسب‌شده، بالا بردن توان رقابتی دانشگاه‌ها و مؤسسات در عرصه بین‌المللی، بی‌توجهی به آموزش‌های ضمن خدمت، بی‌توجهی به کیفیت و اثربخشی نظام‌های آموزشی، نظام متمرکز آموزشی، دیوان‌سالاری، (ادامه در صفحه بعد)</p>

1. Global Governance
2. Minimalizing of Nation-Ststes

<p>مدیریت جهانی آموزش عالی^۱</p>	<p>بی‌ثباتی در مدیریت، مدیریت مشارکتی و روابط جهانی، مدیریت کیفیت، سازمان یادگیرنده و آموزش جهانی، وجود نگرش سیستمی، مدیریت دانش‌نویان، مدیریت برون‌نگر جهان اندیش و به‌روز، پرهیز از نگرش درون‌نگر مدیریت سنتی، مدیریت مبتنی بر هوش فرهنگی، پاسخگویی مدیران به نیازهای محلی و ملی و بین‌المللی، به‌روزرسانی رفتارهای مدیریتی، دانشی‌شدن مدیریت (دانش اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و...)، مدیریت جهانی چابک و توانمند، ساماندهی کارآمد تشکلهای خصوصی و دولتی و مردمی، مدیران به‌عنوان تسهیل‌کنندگان روابط جهانی، مطالعات تطبیقی و الگوبرداری از تجربه‌های موفق دیگران، نگرش وسیع‌تر مدیران، رشد روزافزون فناوری اطلاعات و پیدایش چارچوب جدیدی موسوم به جامعه اطلاعاتی، کارآمد نمودن نظام آموزشی و حرکت به‌سمت محیط‌های آموزشی پویا، فائق آمدن بر مشکلات ناشی از کمبود بودجه، دموکراتیزه کردن نظام آموزشی، توسعه عدالت آموزشی، کاربر و کارور در زمینه فناوری اطلاعات، مادام‌العمرشدن آموزش، برنامه درسی پاسخگو به چالش‌های جهانی، تعالی سطح دانش و ارائه آموزش‌های مرتبط با عرصه‌های کاربردی، تولید دانش و اشاعه آن و توسعه همکاری‌های بین‌دانشگاهی، افزایش مشارکت دانشجویان در امور آموزشی و پژوهشی، بازنگری مستمر برنامه‌های درسی، کمک به رشد شهروندان به‌خصوص راهبران آینده، گسترش مرزها و سرحدات دانش، آموزش، پژوهش و ارائه خدمات عمومی در سطحی جهانی، توسعه دوره‌های آموزشی معطوف به تنوع نژادی و قومی، بهبود پاسخگویی سیستم دانشگاه و نهادها و مؤسسات وابسته آن، انجام پژوهش‌ها و ارائه خدمات عمومی و کمک به پیشرفت جامعه از طریق فعالیت‌های پژوهشی و خلاقانه، توسعه دانش نوین و حفظ و ارتقای وضعیت اقتصادی دولت، تعالی سطح دانش و اشاعه آن است و با انواع گوناگون پژوهش، بررسی و مباحثه زمینه لازم را برای ارتقای سطح دانش نوین فراهم ساخته از طریق مبادلات میان دانشگاهی، فعالیت‌های خلاقانه، آموزش بین‌المللی و ارائه خدمات عمومی، بررسی و مباحثه زمینه‌های لازم برای ارتقای سطح دانش نوین، ارائه آموزشی متمایز و با کیفیتی ممتاز برای درک مسائل بین‌المللی، ترغیب پژوهش، خلاقیت و ابتکار، بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و دانش نوین برای ارائه خدمات بهتر به جامعه، ضرورت توجه به مقوله تنوع، استخدام بهترین متخصصان، انجام مطالعات میان‌رشته‌ای جهت کسب توفیق در محیط رقابتی، وابستگی متقابل دانشگاه و جامعه، فعالیت‌های دانشگاه با توجه به تنوع و تفاوت‌های فرهنگی، دانشجوی محوری در همه تصمیمات اداری، مالی و علمی، افزایش مشارکت سایر بخش‌های جامعه، حفظ استقلال دانشگاه‌ها، توسعه یادگیری الکترونیکی، آمادگی دانشگاه برای فعالیت در محیط رقابتی، ایجاد ائتلاف استراتژیک میان دانشگاه‌های داخلی و مؤسسات خارجی، توسعه دانشجوی محوری و تفویض اختیار تصمیم‌گیری، توسعه دسترسی به منابع، ایجاد محیط مناسب برای دانشجویان فرهنگ‌ها و قومیت‌های گوناگون، تخصصی شدن و تقسیم کار نوین دانش در سطح بین‌المللی، رشد فزاینده مؤسسات آموزش عالی در داخل و خارج از کشور، افزایش قدرت انتخاب دانشجویان، توسعه کیفی به موازات گسترش کمی، بهبود و ارتقای مستمر برنامه‌های درسی متناسب با استانداردهای جهانی و پیشرفت‌های دانش و تکنولوژی، اصلاح و کاهش نسبت استاد به دانشجو، استقرار یک نهاد اعتبارسنجی در سطح ملی، تقویت نگرش دموکراتیک در دانشجویان، بازنگری و اصلاح مداوم در دوره‌های زمانی کوتاه‌تر، توجه به جنبه‌های کاربردی و حل مسئله، برخورداری از تنوع و وسعت بیشتر، ارتقای شایستگی‌ها و عملکرد به‌جای تأکید بر محتوا، چگونگی کاربرد اطلاعات به‌جای تأکید بر چپستی اطلاعات، بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها، یادگیری فراگیر محور و امکان دسترسی برای جستجوی اطلاعات، محیط‌های یادگیری با تمرکز بر فعالیت‌های مشکل‌محور و مبتنی بر تحقیق، زمینه‌های دانشی آینده‌نگرانه، برنامه درسی بین رشته‌ای، بهبود خودشناسی، امکان فراخوانی و بازیابی اطلاعات قبلی، آموزش در بافت ارزش‌ها، افزایش حجم اطلاعات، تنوع و انعطاف‌پذیری شکل ارائه محتوا، یادگیری از طریق ساخت فعال دانش توسط فراگیران، تغییر در روش‌ها و اصول حاکم بر ارزشیابی برنامه درسی، استفاده از روش‌های جدید سنجش، امکان ارزشیابی مستمر، امکان ارائه بازخورد بهتر و سریع‌تر، کارورزی یا یادگیری ضمن خدمت در یک کشور خارجی، برنامه‌های درسی جهانی شده در خود دانشگاه، تغییر یادگیری جمعی به یادگیری انفرادی</p>
--	---

1. Global Management of Higher Education
2. Knowledge Management
3. Academic Capitalism
4. Accomodification, Commercialization and Privatization of Higher Education

۵. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در متن جدول، غیر از کمیت بر کیفیت نیز در موارد متعددی

تأکید شده است. مضافاً بر اینکه استانداردسازی و ارتقاء کمی و کیفی آموزش عالی را شاید توان

(ادامه در صفحه بعد)

مدیرین جهانی آموزش عالی	سودآوری، جایگزین پاسخگویی	<p>تجاری‌سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی، آموزش و پژوهش کاربردی، گسترش دانش و کاربردهای آن برای ارتقاء سطح توسعه انسانی و اقتصادی، توسعه فرهنگ کار تیمی و توسعه همکاری گروهی، تخصیص بودجه مبتنی بر عملکرد، به کارگیری مکانیسم‌های بازار، دریافت هزینه‌های خدمات آموزش عالی از متقاضیان، تدوین و ارائه آموزش‌های حرفه‌ای کوتاه‌مدت به شاغلان بنگاه‌های خصوصی و دولتی، حضور گسترده بخش خصوصی، رویکردهای بازارگرایی، فایده‌گرایی، کاربردگرایی و مشتری‌مداری، پاسخگویی به نیازهای تخصصی کارآفرینان اقتصادی، بازار کار و بخش صنعت، شرکت‌های تجاری همانند مالک برنامه‌های پژوهشی، افزایش اثربخشی در بازدهی سرمایه‌گذاری‌های پژوهشی، تأکید بر آموزش‌های مهارت‌های حرفه‌ای متناسب با نیازهای جامعه، ارائه خدمات بهتر به ملت و جهان، بهبود رابطه نهاد آموزش و جامعه برای ارتقاء سطح کیفی زندگی مردم، افزایش ارتباط میان دانشگاه و صنعت، رشد و تحول برای پاسخگویی بهتر به نیازهای دانشگاهی و اجتماعی آینده، تصویب و اجرای قوانین مرتبط با حمایت از دارایی‌های فکری در نهادهای قانون‌گذاری، تأسیس و استقرار مراکز رشد دانشگاهی، حمایت از تأسیس شرکت‌های دانش بنیان منشعب از دانشگاه، رصد مستمر نیازهای بازار از سوی دانشگاه و جهت دادن تحقیقات در راستای رفع آن نیازها، ثبت اختراعات و نوآوری‌های فکری حاصل از تحقیقات و عرضه آنها در بازار، سهیم‌کردن اساتدان و دانشجویان دانشگاه در نتایج اقتصادی پروژه‌های تحقیقاتی، ائتلاف و همکاری تنگاتنگ با صنایع برای توسعه و تجاری‌سازی فناوری‌های حاصل از تحقیقات دانشگاهی، افزایش پروفایل جهانی دانشگاه</p>
-------------------------	---------------------------	---

برآیند مفاهیم و یافته‌های ناسازوار مطالعات ایرانی در جدول ۲ می‌تواند کم و بیش بازگوکننده ناکامی در بازنشناختن رویکرد جهانی شدن از رویکرد جهانی سازی آموزش عالی انگاشته شود. از این رو چشم‌داشت دستاوردهایی همچون «تشویق همکاری‌های چندفرهنگی»، «عدالت و برابری اجتماعی»، «حفظ استقلال دانشگاه‌ها»، «بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها»، «همدلی و نوع‌دوستی»، «گسترش تنوع فرهنگی»، «توجه و ارتقاء کیفیت آموزش عالی»، «توسعه دموکراسی و حقوق بشر»، «فعالیت‌های دانشگاه با توجه به تنوع و تفاوت‌های فرهنگی»، «آشتی فرهنگی» و غیره با ارزش‌ها، سازوکارها و ساختارهای «سرمایه‌داری دانشگاهی» همگرا به نظر نمی‌رسد. زیرا گرانیگاه شناخت‌شناختی^۱،

ادامه صفحه قبل: زیرمجموعه رویکرد آشفته تلقی کرد. اما این موارد را نیز می‌توان در رویکرد آشفته گنجاناد! چراکه به نظر می‌رسد این نگاشته‌ها بدون درنگ (تأمل) و غوراندیشی افزایش کمی و بهینه‌سازی کیفی را مفاهیمی همگون انگاشته‌اند. حال آنکه گسترش کمی (Quantitative Expantion)، که گاه بی‌رویه و بدون فراهم ساختن پیش‌بایست‌ها انجام می‌شود، نه تنها می‌تواند سد راه «توسعه کیفی» (Qualitative Development) شود، بلکه می‌تواند به افت کیفیت فزاینده نیز بینجامد. چنین وضعیت ناگواری را می‌توان در گسترش بی‌رویه دوره‌های آموزش عالی در نهادهای آموزش عالی ج.ا.ا. مانند پیام‌نور و علمی کاربردی و همچنین در گسترش بی‌رویه دوره‌های آموزش تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکترا) حتی در سرشناس‌ترین نهادهای آموزش عالی ج.ا.ا. به‌روشنی دید. گسترش کمی که بعضاً فسادانگیز بوده و از جمله به پاکبازی نهادهای تجاری پایان‌نامه و مقاله‌نویسی تجاری نیز انجامیده است! در خوانش جهانی شدن، برای رهایی از وضعیت ناگوار و ناپایداری که جامعه جهانی را به ناپودی تهدید می‌کند، بر «توسعه کیفی»، «دگراندیشی»، «اندیشه‌ورزی نقاد (Critical Thinking)» و «اندیشه‌ورزی آفرینشگرانه (Creative Tinking)» بیش از هر زمان دیگری پافشاری می‌شود که نیازمند تغییرات ژرف دگرگون‌ساز در بسیاری از دانش‌های بشری، باورها، اندیشه‌ها و ارزش‌های هنجاری جریان چیره نولیبرال است. برای آگاهی بیشتر نک: جاودانی، ۱۳۸۸، ۱۳۹۲ الف و ۱۳۹۲ ب، ۱۴۰۰ و جاودانی و حمزه رباطی، ۱۳۹۹ و ۱۳۹۸

هستارشناختی^۱، دیرینه‌شناختی^۲ و عملکردی چنین رویکردی که سود، هم‌چشمی (رقابت‌پذیری) از میان برداشتن دیگری) و فردگرایی را، به‌مثابه بنیادی‌ترین ارزش‌ها و پیشران‌های بازار، جانشین زندگی و هم‌زیستی هم‌کنشانه جمعی می‌کند، چگونه می‌تواند به چنین دستاوردهایی بینجامد؟! آیا رویکردی که بر پایه سازوکارهایی همچون مالکیت فکری^۳ فردی (سازوکاری برای کالایی‌سازی و داد و ستد دانش)، استانداردسازی^۴، رده‌بندی^۵ (سازوکارهایی برای کمی و یکسان‌سازی دانش / آموزش) و غیره استوار باشد و با «مدیریت دانش^۶» (سازوکاری برای کنترل و غربال دانش) از رهگذر کاربست «مدیریت بنگاهی^۷» و در چارچوب «نوگرایی مدیریتی^۸» به دانش مهار بزند و آن را با ارزش‌های یکسان‌ساز تولید انبوه برای سودآوری مالی همسو سازد، می‌تواند به چنین دستاوردهایی دست یازد؟

جدول ۳: بازکاوی درون‌مایه مطالعات ایرانی برپایه رویکرد جهانی‌شدن آموزش عالی.
(دگراندیشانه) (۱۳۹۸-۱۳۸۵)

مفاهیم اصلی	مفاهیم کلی	مفاهیم کلیدی
همکنشی فرهنگی ^۹	توسعه تمامیت فردی ^{۱۰}	رفع هرگونه تبعیض، احترام به نوع بشر، بر مبنای ارزش‌های مشترک جهانی، احترام به ارزش‌ها و عقاید دیگران، همدلی و نوع دوستی
	چندگانگی و جمع‌گرایی فرهنگی ^{۱۱}	گفتگوی تمدن‌ها، تلاش برای برقراری ارتباط و همبستگی با جامعه بشری عادلانه، مردم‌سالار و پایدار، افزایش تنوع فرهنگی، کثرت‌گرایی فرهنگی، رواج دگراندیشی، افزایش تنوع جنسیتی، افزایش تنوع قومی، وجود تنوع نژادی
شهروند جهانی دگرگون‌ساز ^{۱۲} سبک نوین زندگی ^{۱۳}	شهروند کنشگر و نواندیش	چالشگر در مقابل حکومت‌ها و ساختارهای شرکتی، رویکرد شهروند جهانی دگرگون‌ساز، انسان‌اندیشمند، تغییر در سپهر اجتماعی زندگی انسان‌ها از سطح ملی به جهانی
	مسئولیت‌پذیر و پاسخگو به جامعه	همکنشی اجتماعی در عرصه جهانی، انسجام اجتماعی، مبادلات اجتماعی، آزادی‌های بنیادی، مسئولیت‌پذیری، کاهش فقر، گنجاندن آموزش جهانی در برنامه‌های آموزشی، گذار از جامعه سنتی به جامعه دانش، زندگی بهتر (جمعی)
	متعهد به محیط زیست	حفظ محیط زیست، ارائه و استفاده از یک الگوی عملی و درست مصرف، توجه نسبت به محیط زیست
	استقلال دانشگاهی	دانشگاه به‌مثابه خرد منفصل جامعه و برخوردار از استقلال نهادی، آزادی علمی، بین‌المللی شدن؛ مشارکت اندیشه‌ها، دانش و راهی برای انجام دادن کارهای مشابه در کشورهای گوناگون، تأکید بر تمرکززدایی و عدم دخالت دولت

1. Ontologic
2. Archeologic
3. Intellectual Property
4. Standardization
5. Ranking
6. Knowledge Management
7. Entrepreneur Management
8. New Managerialism
9. Cultural Interaction
10. Development of Individual Integrity
11. Diversity and Cultural Pluralism
12. Radical Global Citizen
13. New Life Style

<p>دانش آفریده عمومی جهانی (در همکنشی و دگرگون‌ساز)</p>	<p>ایجاد فرصت‌های برابر در دسترسی به آموزش عالی با کیفیت، تأکید بر جنبه‌های اجتماعی و انسانی آموزشی، آموزش عالی به‌مثابه کالای عمومی جهانی، مدیریت اثربخش: مشارکتی و ادهوکر اتیک، رهبری: همپولتی و تأکید بر دست‌یابی به حقیقت و همکنشی اجتماعی، تنوع‌بخشی به نهادهای آموزشی برای افزایش توان همگرایی ساختاری، بر خوداری از انعطاف‌پذیری نظام ملی آموزش عالی، مشخص شدن وضعیت بخش عمومی و خصوصی در آموزش عالی، الزام ملت دولت‌ها به افزایش سرمایه‌گذاری در بخش آموزش عالی، دولت‌ها مسئولیت بهبود و گسترش آموزش، تأمین مالی آموزش دولتی، دولت تنظیم‌کننده استانداردها و چگونگی اختصاص دادن منابع به سطوح تحصیلی مختلف، سازماندهی خوب و مناسب عمومی نظام آموزشی، سرمایه‌گذاری ملی در بخش عمومی</p>
<p>رویکرد نهادی، ساختاری و آموزشی در خوانش دگراندیشانه</p>	<p>آموزش مادام‌العمر و مداوم، برنامه‌ریزی درسی باز و قابل انعطاف، آموزش مشارکتی، افزایش کیفیت آموزش اقشار محروم، تولید دانش به شکل مؤثر، کیفیت آموزشگران، مشخص ساختن نقش آموزشگران در سیاست‌های آموزشی، افزایش کیفیت آموزشگران، انتقال دانش مؤثر به فراگیران، افزایش تحرک دانشجویان و اعضای هیئت علمی، دنبال کردن اهداف و مأموریت‌ها بر مبنای سه کار ویژه، اولویت‌دادن به آموزش و پژوهش در جهت منافع ملی و بومی، اندیشه‌های دگرگون‌ساز و نقاد، ترویج روحیه پرسشگری، رویکرد میان‌رشته‌ای، تفکر خلاق و نقاد، دگراندیشی، اخلاقی و منش آکادمیک، آموزش دانشجو‌محور، آموزش مبتنی بر پژوهش، دانشجو: بازیگر عرصه دانش و ذی‌نفع، یادگیرنده پرسشگر، خلاق و نقاد، رهبران آینده جامعه، استاد: عامل و واسطه تولید دانش، در جستجوی حقیقت، همراه و در کنار دانشجو، انجام دادن پژوهش‌های آموزشی در زمینه آموزش جهانی، پرداخت حقوق مناسب به آموزشگران، حفظ شئون اجتماعی آموزشگران</p>
<p>رویکردهای نهادی، ساختاری و مهارت‌آموزی در خوانش نولیبرال</p>	<p>تغییر سازمان کار و شکل‌گیری جهان کار، افزایش تقاضا به مهارت‌های سطح بالا، شکل‌گیری فزاینده مشاغل چند وظیفه‌ای، افزایش تقاضا برای آموزش عالی به‌ویژه از سوی زنان و بزرگسالان، الزام ملت دولت‌ها به افزایش سرمایه‌گذاری در بخش آموزش عالی، افزایش رقابت در ارزیابی کیفیت و اعتبارسنجی آموزش عالی، افزایش ضرورت تنوع‌بخشی به عرضه آموزش عالی، افزایش ضرورت بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات در قلمرو آموزش عالی، افت کیفی آموزش و پژوهش، توسعه کمی بی‌ضابطه، عدم بهره‌گیری از توان بالقوه علمی، حاکمیت دیوان‌سالاری سنتی اداری بر نظام علمی، نبود رهبری علمی، نبود نظام ارزیابی، عدم توانایی نظام آموزش عالی به پاسخگویی تقاضای اجتماعی، کاهش قدرت و دولت‌ها، اوج‌گیری سازمان‌ها و شرکت‌های فراملی، پیدایش فرهنگ جهانی، انقلاب اطلاعات و ارتباطات، آموزش آزاد، مهارت‌آموزی حرفه‌ای و پاسخگویی به تقاضای بازار، آزادسازی، خصوصی‌سازی، تجاری‌سازی، یکسان‌سازی، سرمایه‌داری آکادمیک، نقش آموزش عالی در توسعه پایدار، افزایش شکاف دیجیتالی، افزایش نابرابری در دسترسی و نتایج آموزش عالی، افزایش کمی دسترسی به آموزش عالی، جذب سرمایه‌های خارجی برای سرمایه‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری در بخش آموزش عالی، تجاری‌سازی و افزایش منابع بخش آموزش عالی، ایجاد فرصت برای مسئولیت‌گریزی بخش عمومی، کاهش یا از میان رفتن سنت‌های دیرین آکادمیک، مک‌دونالدی شدن آموزش عالی و کاهش تنوع و نوآوری در دانش بشری، به خطر افتادن اموال عمومی جهانی، به خطر افتادن استقلال نهادی، آزادی آکادمیک، کاهش انگیزه در اجرای پژوهش‌های بنیادی، کاهش انگیزه در اجرای کارویژه خدمات اجتماعی دانشگاه‌ها، همسویی دانشگاه با تقاضای ابزار گرایانه بازار، سطله تجارت بر نظام‌های آموزش عالی، گنجانیدن آموزش جهانی در برنامه‌های آموزشی، افزایش آموزش ضمن خدمت آموزشگران، انجام دادن پژوهش‌های آموزشی در زمینه آموزش جهانی، پرداخت حقوق مناسب به آموزشگران، حفظ شئون اجتماعی آموزشگران، در اختیار داشتن فناوری‌های نوین ارتباطی، گرایش به تغییرات مدیریتی و ساختاری در دانشگاه‌ها، تمایل به برداشتن الگوهای مدیریت مشارکتی، جایگزین کردن الگوهای مدیریت اقتدارگرا و دیوان‌سالار، کاهش بار مالی دولت، مسیر رقابت‌پذیری و تقلید، تغییر در راهبردهای آموزشی و یادگیری، توسعه تمامیت فردی/ مسئله‌محور ساختن آموزش، تفکر خلاق و نقاد، ناهمگرایی میان اهداف حکومت و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، نبود تفاهم و ارجاع در مفهوم جهانی شدن و بین‌المللی شدن، نامتناسب بودن تغییرات با زمینه‌های موجود در دانشگاه‌های این کشورها، ناهم‌سویی میان برنامه‌ریزان ملی آموزش و اعضای هیئت علمی، فرایند تصمیم‌گیری از بالا به پایین و نبود مشارکت ملی، فشارهای ناشی از نظام حاکم اقتصادی جهان، علم در اختیار بازار صنعت، تفکر کارپردی و سودجویانه، تأکید بر همسان‌سازی (مک‌دونالدی‌شدن)، استانداردسازی، کالای خصوصی، اخلاق و منش بازار، مهارت‌آموزی، آموزش مبتنی بر فناوری، رقابت اقتصادی، تلاش برای افزایش رشد، یکسان‌سازی و همسان‌سازی فرهنگی، دانشجو: مشتری و صاحب سرمایه، ماهر و کارآمد، توسعه مهارت‌های فنی فردی، کارگران آینده بازار، استناد: مغالطه‌کار و دلال دانش، در جستجوی بنگاه و پول، همراه و در کنار سرمایه‌دار، دانشگاه: نهاد خصوصی در خدمت بازار و تولید سود، بنگاه دانش، آموزش عالی: کالای خصوصی، برای به‌دست آوردن شغل، در مسیر منافع بنگاه، با قابلیت‌های گسترش‌پذیری، ابزاری برای ایجاد رقابت اقتصادی،</p>

<p>دانش و یادگیری نوین در دوزخانش جهانی شدن/ سازی</p>	<p>عرصه کنش: آزادی کنشگران نوین تأمین کننده آموزش عالی، استقلال نهادی: دانشگاه به مثابه کارگزار بازار و صنعت، پاسخگویی: محاسبه‌گری جایگزین پاسخگویی به بازار و صنعت، تنوع‌بخشی مالی: شرکتی شدن، تجاری سازی دانش، همراهی با شرکت‌های تأمین آموزش عالی، وام‌های بین‌المللی، رقابت‌پذیری: در عرصه تولید سود و کسب درآمد، مدیریت اثربخش: دیوان‌سالار، سیاسی و بازار، رهبری: ناپلئونی و تأکید بر دانش کاربردی و کنش ابزاری، استانداردها: بر مبنای ارزش‌های بازار، پول و درآمد بیشتر، بین‌المللی شدن: ایجاد پردیس‌های مجازی برای کسب درآمد، چرخش اطلاعات بر مبنای کسب سود بیشتر، همکاری علمی در راستای کسب منافع، تنوع در چگونگی عرضه به‌ویژه فرامرزی، فاقد فلسفه و رویکرد آموزشی، یاددهی به‌جای یادگیری، افزایش حجم دانش ناکارآمد، ناکارآمد در مقابل حل مسئله، غیر کاربردی و غیر آکادمیک بودن آموزش، علم در انقیاد دیوان‌سالاری دولتی، آموزش برای کسب مدرک، آموزش استادمحور، آموزش کالای دولتی، دانشجو: برنامه در عرصه رقابت کنکور، حافظ دانش نه چندان روزآمد، کپی‌بردار، ماهر در تست‌زنی، بیکار آینده، استاد: یاددهنده دانش، در جستجوی ارتقای رتبه اداری، بالاسر دانشجو، دانشگاه: نهادی دولتی یا نیمه دولتی در خدمت تولید مدرک، دبیرستانی بزرگ‌تر، آموزش عالی: کالایی بی‌هویت، برای دستیابی به محیط اجتماعی بازر، در مسیر منافع فردی و شخصی، قابلیت گسترش‌پذیری، انبار ذخیره بازار کار، نهاد به تأخیر انداختن تقاضای کار، عرصه کنش: پردیس دانشگاه بی‌نیاز از تعامل با سایر نهادهای ملی و بین‌المللی، استقلال نهادی: صف ستاد دولتی آموزش عالی، در انقیاد بخش غیردولتی، خودگردانی مالی، پاسخگویی: بی‌نیاز از پاسخگویی به ذینفعان، جامعه و بازار، تنوع‌بخشی به منابع مالی: بهره‌گیری از درآمد خانوار، رقابت‌پذیری: در گسترش بی‌رویه دسترسی به بخش دولتی و غیر دولتی، مدیریت اثربخش: دیوان‌سالاری سنتی، رهبری: نامشخص، استانداردها: بر مبنای مقررات و آیین‌نامه‌های دولتی، بین‌المللی شدن: افزایش دستیابی به آموزش عالی بی‌تناسب، گسترش آموزش‌های نیمه حضوری، رقابت در دستیابی به رتبه‌های منطقه‌ای، رشد نامتوازن جنسیتی و رشته‌ای، بی‌نیاز از تعاملات بین‌المللی، تلاش در تولید مقالات بین‌المللی، ایجاد پردیس‌های کوچک و دورافتاده، تلاش برای بومی سازی دانشجویان، عدم دسترسی به اطلاعات</p>
	<p>دانشگاه: نهاد عمومی در خدمت جامعه و جهان، آموزش عالی: کالای عمومی، برای جامعه‌پذیری و خدمات اجتماعی، در مسیر منافع ملی و جهانی، قابلیت توسعه‌پذیری، ابزاری برای ایجاد عدالت اجتماعی، عرصه کنش: تعامل آزاد نهادهای علمی در عرصه ملی بین‌المللی، پاسخگو به جامعه و نیازهای آن، بهره‌گیری از سرمایه‌های خیرخواهانه و غیرانتفاعی، رقابت‌پذیری در نوآوری و اندیشه</p>

یافته‌های جدول ۳ که از شمار اندکی از مقاله‌ها در بازه زمانی (۱۳۹۸-۱۳۸۵) گردآوری شده است، می‌تواند روشن‌گر گسست نظری در میان نویسندگان دانشگاهی ایران در این قلمرو باشد. در مقاله‌های گونه سوم، همگرایی و درهم‌تنیدگی نظری بیشتری به چشم می‌خورد، که بیشتر گرایش به جهانی شدن و «جامعه‌دانش» را برجسته می‌سازد. همچنین، با بازشناسی موشکافانه جهانی شدن/ سازی، به‌سان «نماد آوایی و مفهومی چندگانه»^۱ در یافتن رهیافت‌هایی روزآمد کم و بیش کامیاب به نظر می‌رسند. شاید به همین دلیل، از فروکاستن جهانی شدن دانشگاه‌ها به‌دور مانده‌اند و تنها به داشتن «همکاری‌های بین‌المللی»، «یادگیری زبان‌های خارجی»، «افزایش توان جابجایی^۲ استادان و دانشجویان» و فراگیری برخی توانمندی‌های عمومی در استادان و دانشجویان اکتفا کرده‌اند. همان کنش‌ها و توانمندی‌هایی که از دیرباز، به‌دلیل ماهیت دانش، نهادهای دانش‌آفرین بدان‌ها می‌پرداخته‌اند. هرچند، در این شمار اندک از نگاشته‌های گونه سوم، افزون بر بازشناسی دو سپهر اندیشه‌ورزی ناهمگرا، بر تغییرات دگرگون‌ساز در فرایند دانش‌آفرینی و یادگیری/ آموزش در بستر جهانی، به‌سان بایسته‌های جهانی شدن آموزش عالی پا فشاری شده است.

1. Conceptual and Vocalic Symbol
2. Mobility

۵. بحث و نتیجه‌گیری

دست‌آورد این کندوکاو در گام نخست و بخش نظری، بر این نکته پای می‌فشارد که «جهانی شدن» و «جهانی‌سازی» در قلمرو آموزش عالی، همچون دیگر قلمروها، دو جریان ناسازوار و ناهمگرا یعنی بایستگی‌پاگیری «دانشگاه پایدار» و «دانشگاه صنفی، شرکتی یا بنگاهی»^۱ را (که به ناروا در ج. ا. ا. دانشگاه کارآفرین نامیده شده است) پدید آورده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که دنبال کردن برنامه جهانی‌سازی، به دلیل پدید آوردن و افزایش شتابان «ناپایداری‌های» اجتماعی و زیست‌محیطی، در چارچوب ناسازوار آنچه «توسعه پایدار»^۲ انگاشته می‌شود، از ناکجا آباد «جامعه اطلاعاتی»^۳ سردمی آورد که سرانجام خوشی نیافته است. تا جایی که استگلیتز (۲۰۱۹) یادآور می‌شود: «پس از آزمون‌های چهار ساله در ایالات متحده و دیگر اقتصادهای پیشرفته، دریافته‌ایم که نولیبرالیسم کار نمی‌کند»^۴. (استگلیتز، ۲۰۱۹: ۱). «در چارچوب سپهر اندیشه‌ورزی «پایداری»، جهانی شدن به مثابه رویکردی نوین، دگراندیشانه، جایگزین، گریزناپذیر و برآمده از نیازهای جامعه بشری و زیست جهانی انگاشته می‌شود که با دشواری‌ها و درگیری‌های فزاینده‌ای روبرو به نظر می‌رسد»^۵. از این رو به ناگزیر و هرچند دیر هنگام، مطالعات و کوششی‌هایی آغاز شده است که با دگراندیشی، سپهر اندیشه‌ورزی نوین و «طرحی نو»^۶ در انداخته شود تا شاید بتواند به برزیستی^۷ انسان و زیست کره بینجامد. چنین چارچوبی برای گونه‌شناسی جستارهای

1. Entrepreneur University

2. Sustainable Development VS Sustainability

3. Information Society

4. que le néolibéralisme ne fonctionne pas / that neoliberalism does not work.

۵. گرتا ترنبرگ (Greta Thunberg) برنده ۷ جایزه و نامزد جایزه صلح نوبل در سخنرانی خود می‌گوید: اگر ما را کودک می‌پندارید، دست‌کم به دانشمندان گوش کنید (بی بی سی، ۲۰۱۹؛ تونبرگ، ۲۰۱۹؛ جایزه صلح نوبل، ۲۰۱۹) تعداد ۱۳۵۱ اعتصاب و راهپیمایی در بیش از ۱۱۰ کشور جهان برگزار شده است در فرانسه ۱۳۰ راهپیمایی برنامه‌ریزی شد و دانشجویان و دانش‌آموزان زیادی به خیابان‌ها آمدند. در نگاشته‌ای در نشریه نیچر یادآوری شده است تنها ۱۲ سال برای نجات زمین باقی است! روند صعودی گازهای گل‌خانه‌ای نباید فراتر از سال آینده ادامه یابد و باید از سال آینده روندش تغییر کند و رو به نزول بگذارد تا برای زمین و انسان‌ها شانس برای جلوگیری از پیامدهای مخرب تغییرات اقلیمی بتوان متصور شد (خبرگزاری همشهری، <https://www.hamshahronline.ir/news/441640>). (سازمان ملل، ۲۰۱۹-۲۰۱۱)

۶. وام‌گرفته از غزل حافظ:

بیا تا گل برفاشانیم و می در ساغر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم
که سرانجام نیز این غزل را چنین به پایان می‌برد:

سخن‌دانی و خوش‌خوانی نمی‌ورزند در شیراز بیا حافظ که تا خود را به ملکی دیگر اندازیم. (گنجور، غزل ۳۷۴)

7. Survivance

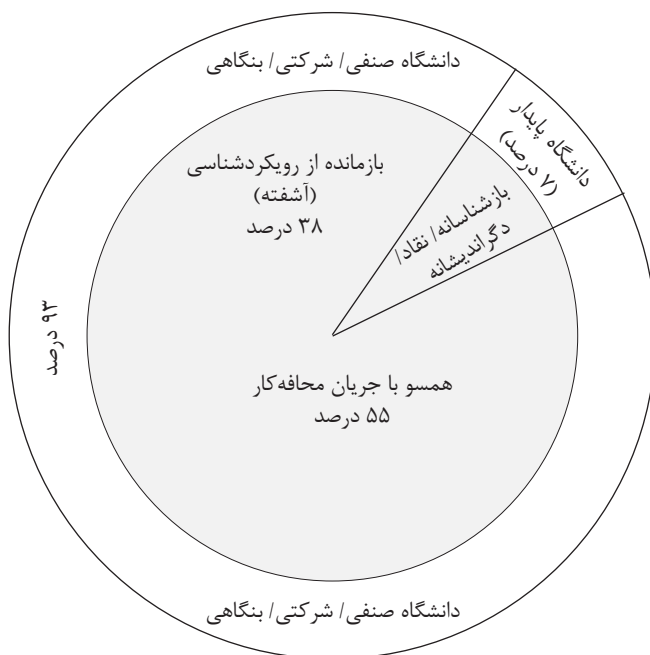
ایرانی در بازه زمانی (۱۳۹۸-۱۳۸۵) مورد استفاده قرار گرفت؛ بازه‌ای که بیشترین مقاله‌ها در این قلمرو نگاشته شده است. به این ترتیب، جستارهای ایرانی بازکاوی شده در سه گونه زیر بازشناسی شدند:

- مطالعات همسو با رویکرد نولیبرال: همسو و سر در گرو جریان محافظه‌کار چیره‌ا، که ۵۵ درصد از نگاشته‌ها را در خود جای می‌داد.

- مطالعات بازمانده از بازشناسی دو رویکرد/آشفته: سردرگم در میان سپهرهای اندیشه‌ورزی و رویکردهای گوناگون با گرایش فزاینده به جریان محافظه‌کار چیره، که پوشش‌دهنده ۳۸ درصد دیگر از نگاشته‌های ایرانی بود.

- مطالعات بازشناسانه، نقادانه/ دگراندیشانه: همسو با سپهر اندیشه‌ورزی «پایداری» که با بازشناسی نقادانه دو جریان ناهمگون، بر دگراندیشی برای یافتن افق‌های نوین و برزیستی و تغییرات ژرف دگرگون سازنده از رهگذر آموزش و آموزش‌عالی، پا می‌فشارند. این‌گونه از جستارها تنها ۷ درصد از نگاشته‌ها را پوشش می‌داد.

۶۶



نگاره ۷: گونه‌شناسی مطالعات ایرانی در قلمرو جهانی‌شدن و آموزش‌عالی

چنین به نظر می‌رسد که افرادی با دیدگاه‌های یک‌سونگرانه (یک‌جانبه‌گرا) که تنها خوانش نولیبرال را از جهانی‌شدن / سازی را درک کرده‌اند، دو واکنش ناهمسو در میان دانشگاهیان در ج.ا.ا. برانگیخته است. مخالفت با جهانی‌سازی به سان پدیده‌ای مهاجم یا بی‌چون و چرا گردن نهادن به جریان چیره محافظه‌کار.

از پرسامندی برخی مفاهیم کلیدی، یافته‌ها و پیشنهاد‌های نگاشته‌های باز کاوی شده، که می‌تواند سوگیری نگاشته‌ها را، کم و بیش، روشن سازد، به سان سنج‌های برای گونه‌شناسی آنها بهره گرفته شد. بر پایه دیرینه‌شناسی نظام‌های دانشگاهی در جهان، گونه‌شناسی دوگانه‌ای بر پایه یافته‌های جاودانی (۱۳۹۸) برای نگاشته‌هایی که باز کاوی شده‌اند، باز شناخته شد:

الف. نگاشته‌هایی که با گونه آموزش عالی «صنفی»^۱ دیرین، شرکتی^۲ پسینی و «بنگاهی»^۳ کنونی پیوستگی بیشتری داشتند، که با در نظر گرفتن دو گونه نخست، می‌توان ۹۳ درصد این نگاشته‌ها را در این گونه گنجانند. هر چند، ۳۸ درصد مقاله‌هایی که جهانی‌شدن را به خوانش نولیبرال فرو کاسته بودند، چنین خوانشی را بر نتافته و به نقد یک‌سویه آن پرداخته بودند.

ب. نگاشته‌هایی هم‌گونه با نهاد‌های دانش‌آفرین، که از آغاز با اندیشه‌ای باز در «جستجوی حقیقت» بودند و همچنان در چارچوب «پایداری» بر این رسالت، پای می‌فشارند. تنها ۷ درصد از نگاشته‌ها را می‌توان در این گونه گنجانند.

به‌دور از داوری هنجاری درباره یافته‌های روشن‌گرانه این جستار، دست‌کم می‌توان، دو پرسش^۴ را به‌مثابه پیشنهاد‌های پژوهشی این جستار انگاشت:

آیا گرایش بیشینه مطالعات ایرانی به رویکرد چیره محافظه‌کارانه نولیبرال در قلمرو جهانی‌شدن / سازی آموزش عالی، از کاستی‌ها و کژفهمی‌های نظری در نهاد‌های آموزش عالی ایران برآمده است؟

آیا ریشه بسیاری از کژروی‌هایی را که در قلمرو یادگیری / آموزش، پژوهش، تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌ها، از جمله در قلمرو آموزش عالی و پدیده جهانی‌شدن /

1. Guild
2. Corporation
3. Entrepreneur

۴. برخی از پژوهشگران جستارهایی را راهگشایتر می‌انگارند که بیشتر پرسش‌برانگیز باشد، تا راه را برای جستارگشایی‌های پسینی بگشاید.

سازی به چشم می‌خورد، که در بسیاری از اسناد سیاستی ج.ا.ا. (مانند برنامه‌های پنج‌ساله، نقشه جامع علمی کشور، پیش‌نویس الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی) نیز بازتابی روشن یافته است، را تنها می‌توان پیامد مشارکت‌ناپذیری‌های تصمیم‌گیران انگاشت؟
 یا وضعیت ناخوشایند کنونی آموزش عالی در ج.ا.ا. پیامد چنین مطالعاتی دانشگاهی است، که بیشتر آنها، گردن نهادن بی‌چون و چرا به نسخه‌پیچی‌های جریان محافظه‌کار چیره را برترین گزینه پیش‌روی آموزش عالی انگاشته‌اند؟

منابع

۱. آتشک، محمد؛ رضا نوروززاده؛ محمد قهرمانی؛ محمود ابوالقاسمی و مقصود فراستخواه. (۱۳۹۲). واکاوی پیامدها و سازوکارهای جهانی شدن برنامه‌های درسی آموزش عالی. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی. ۱۰(۳۸).
۲. آراسته، حمیدرضا؛ مهدی سبحانی‌نژاد و رضا همایی. (۱۳۸۷). وضعیت دانشگاه‌های شهر تهران در عصر جهانی شدن از دیدگاه دانشجویان. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. شماره ۴.
۳. آقایی، علی و مرضیه عالی. (۱۳۸۸). فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی نظام تعلیم و تربیت ایران در بستر جهانی شدن. مجله مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان. شماره ۱۱.
۴. پورعزت، عزت‌الله؛ حمزه خواستار؛ غزاله طاهری؛ محمدمهدی فراحی و عباس نرگسیان. (۱۳۸۷). الگوی مطلوب طراحی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران در عصر جهانی شدن. دانشگاه اسلامی. شماره ۴.
۵. جاودانی، حمید. (۱۳۸۷). بررسی الزامات جهانی شدن و چالش‌های اساسی پیش‌روی آموزش عالی، تحقیقات و فناوری. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۶. جاودانی حمید. (۱۳۸۸ الف). جهانی شدن و آموزش عالی، گسست میان نظریه تا کنش: راهبردهایی نوین برای توسعه آموزش عالی ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ۱۵(۳).
۷. جاودانی، حمید. (۱۳۸۸ ب). بررسی تأثیرات روند جهانی شدن بر دانشگاه‌ها و دانشگاهیان ایران. مهندسی فرهنگی. شماره ۳۳.
۸. جاودانی، حمید. (۱۳۹۲ الف). توسعه پایدار از رهگذر توسعه نهادهای ایرانی تولید دانش. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۹. جاودانی، حمید. (۱۳۹۲ ب). دانشگاه‌ها و جهانی شدن: مفاهیم و رویکردها، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۱۰. جاودانی، حمید. (۱۳۹۸). بازکاوی مهم‌ترین دگرگشت‌های آموزش عالی و سناریوهای آینده. گزارش طرح پژوهشی: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۱۱. جاودانی، حمید. (۱۳۹۹). دگرگشت‌های آموزش عالی و آینده پیش‌رو. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
۱۲. جاودانی حمید. (۱۴۰۰). از توهمزدایی از پیشرفت و توسعه تا نیاز به تغییرات دگرگون‌ساز شناختی. فصلنامه اقتصاد توسعه دانش بنیان. ۱(۱).
۱۳. جاودانی حمید و مطهره حمزه رباطی. (۱۳۹۹). بازکاوی پیش‌نویس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در آینده سپهراندیشگی «محافظه‌کارانه نولیبرال» یا «دگراندیشانه پایداری»؟. نهمین کنفرانس الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی. تهران: مرکز الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی.
۱۴. جاودانی، حمید و احمد کیخا. (۱۳۹۹). بازکاوی انتقادی مطالعات ایرانی در قلمرو آموزش عالی

- پایدار. فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی. دوره ۹. شماره ۱۷.
۱۵. جاودانی حمید و مطهره حمزه رباطی. (۱۳۹۸). دانشگاه پایدار پویایی برای برزستی و پایداری. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. دوره ۲۵. شماره ۲.
۱۶. جعفرآبادی، طاهره و مرضیه عالی. (۱۳۸۷). جهانی‌شدن، آموزش عالی و تحقیقات بنیادی. راهبرد فرهنگ. (۲)۱.
۱۷. جعفری، سکینه؛ علی اکبر امین‌بیدختی و مهدی محمدی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه ادراک دانشجویان از جهانی‌شدن آموزش عالی با ارزیابی آنان از کیفیت فرآیندهای یاددهی یادگیری. پژوهش‌های برنامه‌درسی. (۱)۵.
۱۸. جهانیان، رمضان. (۱۳۸۹). نظریه جهانی‌شدن و نقش آن در تعلیم و تربیت. مجله علوم سیاسی. شماره ۱۳.
۱۹. جهانیان، رمضان و مریم یعقوبیان. (۱۳۹۱). سیاست‌های مدیریت بر آموزش در عصر جهانی‌شدن. مجله علوم سیاسی. (۲۱)۸.
۲۰. حکیم‌زاده، رضوان. (۱۳۸۹). جهانی‌شدن، بین‌المللی‌شدن آموزش عالی و برنامه‌های درسی پنهان. مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۴.
۲۱. حمزه رباطی مطهره و حمید جاودانی. (۱۴۰۰). بازاندیشی آموزش: اندیشه‌ورزی نقاد و آفرینشگر، راهی به سوی یادگیری پویا و زیستی پایدار. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۲۲. خداوردی، حسن. (۱۳۹۱). جهانی‌شدن آموزش عالی در هزاره سوم: مؤلفه‌ها و ابعاد. پژوهش‌های روابط بین‌الملل. (۵)۲.
۲۳. رسولی، جعفر و سوسن علائی. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر پیامدهای فرهنگی جهانی‌شدن بر دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان واحد علوم تحقیقات تهران). مجله مدیریت فرهنگی. (۲۵)۸.
۲۴. رشیدی، زهرا. (۱۳۹۶ الف). جهانی‌شدن و ضرورت آموزش عمومی در تربیت شهروند جهانی. نامه آموزش عالی. (۳۸)۱۰.
۲۵. رشیدی، زهرا. (۱۳۹۶ ب). مفهوم‌پردازی شهروند جهانی از منظر صاحب‌نظران آموزش عالی: مطالعه‌ای زمینه‌ای. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. (۲)۲۳.
۲۶. زوار، نضت. (۱۳۹۵). مدیریت آموزش عالی در راستای جهانی‌شدن. مطالعات مدیریت و کارآفرینی. (۴)۲.
۲۷. سبجانی‌نژاد، مهدی و مهدی محمودی. (۱۳۹۱). بررسی کیفی چگونگی انطباق اهداف آموزش عالی با مقتضیات بعد اقتصادی جهانی‌شدن از دید اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران. مدیریت در دانشگاه اسلامی. شماره ۱.
۲۸. سجادی، سیدمهدی. (۱۳۸۲). جهانی‌شدن و پیامدهای چالش برانگیز آن برای تعلیم و تربیت.

- مجله علوم تربیتی دانشگاه چمران. شماره ۴.
۲۹. شاهی، سکینه؛ عبدالرحیم نوبه‌ابراهیم و یدالله مهرعلیزاده. (۱۳۸۷). ارتباطات گشوده آموزش عالی. ضرورت رویارویی با چالش‌های جهانی شون‌دگی؛ مطالعه موردی دانشگاه‌های دولتی خوزستان. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. شماره ۴.
۳۰. شهیدی، نیما؛ اصغر رضویه؛ شاپور جهرمی و مسعود سیدی. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر جهانی شدن آموزش عالی بر کیفیت آموزش دانشگاه‌ها از دیدگاه اساتید واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی. اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی. شماره ۱.
۳۱. صالحی عمران، ابراهیم و سعید یغموری. (۱۳۸۹). بررسی مهارت‌های اشتغال‌زایی بازار کار با توجه به اقتصاد جهانی در برنامه‌های درسی آموزش عالی. مطالعات برنامه درسی. ۴(۱۶).
۳۲. طالع‌پسند، سیاوش؛ یوسف کشاورز و زینب‌السادات فاطمی‌نسب. (۱۳۹۶). رواسازی مقیاس نگرش به شهروند جهانی در دانشجویان دانشگاه سمنان. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. شماره ۴.
۳۳. عباسپور، ارکیده و رحمت‌الله مرزوقی. (۱۳۹۲). ارزیابی تأثیر جهانی شدن بر فرآیند یاددهی یادگیری در آموزش عالی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های شیراز و شهید بهشتی. مطالعات برنامه‌درسی آموزش عالی. ۴(۸).
۳۴. عبدالوهابی، مرضیه؛ یونس رومیانی و سکینه ظریف. (۱۳۹۲). بررسی مهارت‌های اساسی دانشجویان در عصر جهانی شدن. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ۱۹(۴).
۳۵. فدایی، غلامرضا؛ نادر نقشینه و محمودی خسروجردی. (۱۳۸۷). بررسی عوامل فرهنگی، آموزشی - پژوهشی، فنی - راهبردی و سیاستی دخیل در کارآفرینی آموزش عالی در گستره جهانی شدن. مهندسی فرهنگی. شماره ۱۵.
۳۶. کشاورز، یوسف. (۱۳۹۱). جهانی شدن و ضرورت آموزش‌های شهروندی جهانی. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی. ۳(۶).
۳۷. محمدبخشی، بهمن؛ اکرم حبیبی و فردین قریشی. (۱۳۹۰). جهانی شدن و هویت ملی دانشجویان دانشگاه تبریز. فصلنامه رفاه اجتماعی. ۱۱(۴۳).
۳۸. ملکی‌نیا، عماد؛ زهرا ملکی‌نیا و صدیقه فیضی. (۱۳۹۷). راهبردهای مورد نیاز نظام آموزش عالی ایران در عصر جهانی شدن. فصلنامه‌های سیاست‌های راهبردی و کلان. ۶(۲۴).
۳۹. منصوری گرگر، رحیمه؛ اکبر صالحی و عفت عباسی. (۱۳۹۵). ویژگی‌های برنامه‌های درسی در عصر جهانی شدن و بین‌المللی کردن برنامه درسی. پژوهش در برنامه درسی. ۱۳(۲۳).
40. Aromataris, E.; R. Fernandez; C. M. Godfrey; C. Holly; H. Khalil. & P. Tungpunkom. (2015). Summarizing Systematic Reviews: Methodological Development, Conduct and Reporting of an Umbrella Review Approach. *International Journal of Evidence-based Health-care*, 13 (3). Doi: 10.1097/XEB.0000000000000055

41. BBC News. (2019). It's an Existential Crisis. Listen to Scientists (<https://www.bbc.com/news/av/uk-48018034/climate-change-activist-greta-thunberg-listen-to-climate-scientists>). BBC News. Archived (<https://web.archive.org/web/20190814200923/https://www.bbc.com/news/av/uk-48018034/climate-change-activist-greta-thunberg-listen-to-climate-scientists>) from the original on 14 August 2019. Retrieved 31 August 2019.
42. Borah, R.; A. W. Brown; P. L. Capers. & K. A. Kaiser. (2017). Analysis of the Time and Workers Needed to Conduct Systematic Reviews of Medical Interventions Using Data from the PROSPERO Registry. *BMJ open*. 7(2).
43. Breton, G. & M. Lambert. (2003). *Globalisation et Universités: Nouvel Espace, Nouveaux Acteurs*. Paris: UNESCO/ Université Laval.
44. Chomsky, N. (1999). *Profit over People: Neoliberalism and Global Order*. New York: Seven Stories Press.
45. Enders, J. & O. Fulton. (2002). *Blurring Boundaries and Blistering Institutions: An Introduction*. In *Higher Education in a Globalising World* (pp. 1-14). Springer, Dordrecht. DOI: 10.1007/978-94-010-0579-1_1
46. Gadotti, M. (2008). What We Need to Learn to Save the Planet. *Journal of Education for Sustainable Development*, 2(1), 21-30. doi. org/10.1177/097340820800200108
47. Giroux, H. (2002). *Neoliberalism, Corporate Culture, and the Promise of Higher Education: The University as a Democratic Public Sphere*. *Harvard Educational Review*. 72(4). 425-464. DOI: doi.org/10.17763/haer.72.4.0515nr62324n71p1
48. Ioannidis, J. P. (2009). *Integration of Evidence from Multiple Meta-analyses: a Primer on Umbrella Reviews, Treatment Networks and Multiple Treatments Meta-analyses*. *Cmaj*. 181(8). 488-493. DOI: <https://doi.org/10.1503/cmaj.081086>.
49. Maggio, L. A.; A. Thomas. & S. J. Durning. (2019). 31 Knowledge Synthesis. *Understanding Medical Education: Evidence, Theory, and Practice*. 457.
50. McChesney, R. (1999). *Introduction*, in *Noam Chomsky, Profit over People: Neoliberalism and Global Order*. New York: Seven Stories Press. p. 7.
51. Meyer, J. W. (2007). Globalization: Theory and Trends. *International Journal of Comparative Sociology*. 48(4). <https://doi.org/10.1177/0020715207079529>.
52. Papastephanou, M. (2005). Globalisation, Globalism and Cosmopolitanism as an Educational Ideal. *Educational Philosophy and Theory*. 37(4). 533-551. <https://doi.org/10.1111/j.1469-5812.2005.00139.x>
53. Paré, G.; M. C. Trudel; M. Jaana. & S. Kitsiou. (2015). Synthesizing Information Systems Knowledge: A Typology of Literature Reviews. *Information & Management*. 52(2). 183-199. <https://doi.org/10.1016/j.im.2014.08.008>.
54. Rashdall, H. (1895). *The Universities of Europe in the Middle Ages*. Oxford: Clarendon Press.
55. Senge, P.; P. Smith; N. Kruschwitz; J. Laur. & S. Schley. (2008). *The Necessary Revolution: How Individuals and Organizations Are Working Together to Create a Sustainable World*. New York: Doubleday.
56. Stiglitz, J. (2019). Après le Néolibéralisme. May 30, 2019. <https://www.project-syndicate.org/commentary/after-neoliberalism-progressive-capitalism-by-joseph-e-stiglitz-2019/05/French>.
57. Stommel, M. & C. Wills. (2004). *Clinical Research: Concepts and Principles for Advanced Practice Nurses*. Lippincott Williams & Wilkins.
58. *The Nobel Peace Prize*. (2019). *The Nobel Peace Prize* (<https://www.nobelprize.org/prizes/peace/2019/press-release/>). NobelPrize.org. Retrieved 30 October 2019
59. Thunberg, G. (2019). *Our House is on Fire'*: *Greta Thunberg*, 16. Urges Leaders to Act on Climate Change (<https://www.theguardian.com/environment/2019/jan/25/our-house-is-on->

- fire-greta-thunberg16-urges-leaders-to-act-on-climate). The Guardian. Archived (<https://web.archive.org/web/20190725051443/https://www.theguardian.com/environment/2019/jan/25/our-house-is-on-fire-greta-thunberg16-urges-leaders-to-act-on-climate>) from the original on 25 July 2019. Retrieved 14 February 2019.
60. Tsegay, S. M. (2016). Analysis of Globalization, the Planet and Education. *International Journal of Environmental and Science Education*. 11(18). 11979-11991.
61. UNDP. (2014). *Human Development Report 2014 Sustaining Human Progress: Reducing Vulnerabilities and Building Resilience*. USA: undp.
62. UNESCO. (2015). *Rethinking Education: Towards a Global Common Good*. Paris: UNESCO.
63. United Nations. (2019). *United Nations Decade on Biodiversity*. IPBES Global Assessment Underscores Need for Transformational Change to Safeguard Life on Earth: <https://www.cbd.int/doc/press/2019/pr-2019-05-06-IPBES-en.pdf>.
64. Van der Wende, M. (1997). Internationalising the Curriculum in Dutch Higher education: An International Comparative Perspective. *Journal of Studies in International Education*. 1(2). 53-72. DOI: 10.1177/102831539700100204
65. World Bank Group. (2019). *The Changing Nature of Work*. Washington: World Bank.